

شناسایی و برنامه‌ریزی استراتژیک ارتقاء توان روستاهای دارای نقش مرکزی در راستای توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: شهرستان سروآباد استان کردستان)

دکتر سعدی محمدی^{۱*}، دکتر جاهده تکیه‌خواه^۲، سوران منوچهری^۳

چکیده

محدودیت‌های خدماتی و سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران از یک سو و از سویی دیگر، رویکرد جدید در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تحقق توسعه پایدار منطقه‌ای را نیازمند انجام دو اقدام عمده کرده‌است؛ در ابتدا اینکه، توسعه‌ای غیرمتمرکز بر مبنای عدالت فضایی شکل گیرد، در این راستا، نیاز به ایجاد یک سلسله‌مراتب فضایی از ارتباطات متقابل نقاط بر مبنای میزان توانمندی و پایداری آن‌ها بوده و بایستی مراکز پایدار و توانمند در راستای ایفای نقش مرکزی و هدایت جریان توسعه به نقاط باتوان و میزان پایداری کمتر، ایجاد و مورد حمایت قرار گیرند تا این چنین، یک فضای عملکردی مطلوب شکل گیرد. همچنین بایستی برنامه‌مدون و کارایی مطابق با وضع موجود و آینده مطلوب دست‌یافتنی، متناسب با توانمندی‌ها به‌منظور افزایش توان نقش‌آفرینی این مراکز در عرصه منطقه‌ای تدوین شود. در این راستا نیز، هدف پژوهش حاضر در دو عرصه مذکور بوده‌است؛ به‌گونه‌ای که با سنجش میزان پایداری روستاهای شهرستان سروآباد، روستاهای دارای توان در جهت ایفای نقش مرکزی در نظام سلسله‌مراتب فضایی - مکانی شهرستان، شناسایی و با تدوین برنامه استراتژیک، جهت و نحوه عملکرد این مراکز در راستای ایفای مطلوب این نقش، مشخص شد. پژوهش کاربردی حاضر، از حیث روش انجام، توصیفی-تحلیلی بوده که به‌منظور گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و پیمایشی بهره گرفته‌است. داده‌های به‌دست‌آمده از طریق اطلاعات سرشماری ۱۳۹۵ نواحی روستایی شهرستان سروآباد، قضاوت شفاهی گروه دلفی و بازدیدهای میدانی حاصل آمد و تجزیه و تحلیل آن‌ها با بهره‌گیری از تکنیک تاپسیس، ابزارهای آمار فضایی (شاخص خودهمبستگی موران، لکه‌های داغ)، مقایسه دودویی و برنامه‌ریزی استراتژیک، نشان داد که روستاهای بیساران، دزلی، پایگلان، قلعه‌چی، سلین، درکی، حسین‌آباد، بلبر و رزاب، پایدارترین روستاها و در واقع مراکز رشد منطقه و استراتژی‌های تهاجمی مبتنی بر رسوخ در بازار نیز، مطلوب‌ترین استراتژی‌ها در راستای توسعه منطقه‌ای شهرستان سروآباد بر مبنای نقش‌آفرینی این مراکز هستند.

جغرافیا و توسعه، شماره ۶۰، پاییز ۱۳۹۹
تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۰۱
تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۰۳
صفحات: ۸۵-۱۱۶



واژه‌های کلیدی:

توسعه منطقه‌ای، برنامه‌ریزی استراتژیک، روستاهای بیساران، دزلی، پایگلان، قلعه‌چی، سلین، درکی، حسین‌آباد، بلبر و رزاب، پایدارترین روستاها و در واقع مراکز رشد منطقه و استراتژی‌های تهاجمی مبتنی بر رسوخ در بازار نیز، مطلوب‌ترین استراتژی‌ها در راستای توسعه منطقه‌ای شهرستان سروآباد.

مقدمه

منطقه‌ای از طریق ایجاد رقابت‌پذیری و مکمل‌نمودن مناطق در فضایی عملکردی، تغییر رویه داده‌است (Svetikas, 2014: 37). بر این اساس، بایستی عنوان کرد که یکی از مشکلات اساسی موجود بر سر راه توسعه منطقه‌ای در نواحی روستایی کشور، گسیختگی سازمان فضایی و فقدان سلسله‌مراتبی مبتنی بر رابطه تعاملی در یک فضای عملکردی در میان

از دیدگاه رویکرد عدالت اجتماعی، توسعه منطقه‌ای به‌منظور تحقق برخورداری عادلانه و مناسب مکان‌ها از خدمات و امکانات و کیفیت مطلوب زندگی، مورد نیاز است (Wayezu & Walter, 2018: 2; Soja, 2008: 2). سیاست‌های توسعه منطقه‌ای پس از تغییر رویکردهای توسعه (۱۹۸۰)، بر بهبود وضعیت توسعه

۱- عضو هیأت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری منابع طبیعی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۴- این مقاله نتیجه طرح پژوهشی انجام گرفته در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان با همکاری پژوهشکده کردستان شناسی دانشگاه کردستان است.

در تحقق آن در کجا باشد و چه شکلی به خود بگیرد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). به منظور تحقق این امر نیز، بایستی از روش‌های پیشرو و نوین برنامه‌ریزی که توانایی درک این پیچیدگی‌ها را داشته‌باشد، بهره بگیریم. در این راستا نیز به‌کارگیری روش‌ها و فنون تحلیلی مبتنی بر تفکر استراتژیک، در پی روشن‌شدن کاستی‌های فنون و روش‌های رهیافت‌های سنتی برنامه‌ریزی و تحلیل در آن‌ها مطرح شد (حقیق و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۱). برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک به‌عنوان یک تکنیک کلیدی برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سال‌های اخیر، به منظور حرکت در مسیر توسعه پایدار فضایی- مکانی، مورد توجه و استقبال قرار گرفته‌است. در برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک، علاوه بر ترسیم تعاملات منطقه‌ای و مکانی برخلاف روش‌های مرسوم، آینده و اینکه چه چیزی بایستی اتفاق بیافتد نیز مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد (Dross et al, 2012: 3). این شیوه برنامه‌ریزی در جهت حصول توسعه متعادل در مناطق و بین مناطق در یک نظام فضایی- عملکردی به‌ویژه در کشورهای اتحادیه اروپا از دو دهه پیش بسیار مورد استفاده قرار گرفته‌است (Svatošová, 2012: 337). هرچند که در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران، با توجه به ضرورت توسعه یکپارچه و متوازن، شناخت ویژگی‌های نواحی مختلف و نابرابری آن‌ها، در هر برنامه‌ریزی، اساس کار محسوب می‌شود؛ اما وضعیت میدانی نواحی و مناطق روستایی کشور، به‌گونه‌ای دیگر رقم خورده‌است و عدم تعادل و ناتوانی روستاها در ایفای نقش مرکزیت و محرک بودن در توسعه منطقه‌ای، موجب گسترش فقر و محرومیت در نواحی روستایی و ناپایداری جریان و روند توسعه آن‌ها شده‌است.

یکی از شهرستان‌های کشور که با توجه به خصوصیات طبیعی و فرهنگی، دارای جمعیت روستایی زیاد در نقاط روستایی است، شهرستان سروآباد در استان

سکونتگاه‌ها است. این ویژگی، منبعت از سیاست‌های توسعه‌ای اجراشده در خلال دهه‌های گذشته و عدم شکل‌گیری رابطه منظم و منطقی میان سطوح مختلف سکونتگاه‌های کشور، چه در سطح کلان و چه در مقیاس منطقه‌ای و محلی است که منجر به نابسامانی توزیع جمعیت، فعالیت‌ها، خدمات و کارکردها در سطوح مختلف به طور عام و عدم بهره‌مندی مناسب مراکز جمعیتی و سکونتگاه‌های روستایی و به‌ویژه روستاهای کوچک و کم‌جمعیت، به‌طور خاص از خدمات، تسهیلات و منابع مختلف در مراکز جمعیتی و خدماتی سطوح بالاتر شده‌است. طراحی شبکه‌ای از کانون‌های خدمات‌رسانی سلسله‌مراتبی برای تسریع روند برنامه‌های توسعه در مناطق عقب‌مانده و برقراری روابط متقابل بین فضایی شهری و روستایی و ایجاد یکپارچگی کارکردی بین آن‌ها در راستای حصول به توسعه منطقه‌ای پایدار ضروری است (ارغان، ۱۳۹۶: ۳۴) تا این چنین، سرمایه‌های موجد و محرک توسعه در سطح روستاها با توجه به توان و مزیت‌هایشان، توزیع یابند. در واقع، محدودیت‌های مالی، طبیعی و تعدد روستاها به‌ویژه روستاهای کم‌جمعیت در کشور، اختصاص منابع و منافع را در یک نظم و تناسب منطقی نسبت به سایر روستاها به روستاهای دارای مزیت و توان، توجیه‌پذیر می‌سازد. از سویی دیگر، معضل مهم و عمده در تحقق توسعه پایدار روستایی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، فقدان دیدگاه آینده‌نگرانه به توسعه روستاها است تا رهیافت این امر عدم تکرار نارسایی‌های موجود و شکست‌های گذشته باشد (Virchow and Von Braun, 2001: 3). به بیانی دیگر، مهم است که بدانیم، امروز روستا در نظام توسعه منطقه در کجاست؛ اما مهم‌تر، آن است که با شناخت امروز، بدانیم و بخواهیم که آینده توسعه‌ای منطقه و جایگاه روستاها

امروزی، مشاهده می‌شود؛ می‌طلبید که وضع موجود توسعه روستاها در جهت ایجاد سلسله‌مراتب فضایی غیرمتمرکز بر پایه پایداری روستاها سنجیده شود و جریان‌ات فضایی با نقش‌آفرینی روستاهای دارای توان در ایفای نقش مرکزیت با پخش و هدایت جریان و منافع توسعه، سامان یافته و منطقه سروآباد در مقایسه با سایر مناطق همجوار (شهرستان مریوان، سنندج و...) به صورت یک منطقه توانمند و رقابت‌کننده، برخلاف وضعیت کنونی که که تأمین‌کننده صرف سرمایه‌ها، مغلوب و در حاشیه توسعه منطقه‌ای در یک نظام مرکز- پیرامون است، عمل کند. لازمه این نقش‌آفرینی روستاهای پایدار شهرستان نیز تدوین برنامه‌های کاربردی و آینده‌نگرانه متناسب با دید برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک است؛ به گونه‌ای که علاوه بر شناخت وضع موجود با اتخاذ و اجرای استراتژی‌های متناسب، بتوان چشم‌اندازی از آینده مطلوب و دست‌یافتنی توسعه منطقه‌ای با نقش‌آفرینی این روستاها و متناسب با مزیت‌های‌شان ترسیم کرد. در این راستا نیز، سؤال‌هایی به شرح زیر مطرح شدند:

- پایداری توسعه در میان روستاهای شهرستان سروآباد در چه وضعیتی است؟ روستاهای پایدار و دارای توان، به منظور ایفای نقش مرکزیت در نظام سلسله‌مراتبی فضایی شهرستان، کدام‌اند؟

- مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف‌ها، تهدیدها و فرصت‌های (درونی و بیرونی) مؤثر در ارتقای توان روستاهای دارای توان مرکزیت، به منظور نقش‌آفرینی در توسعه پایدار منطقه‌ای شهرستان سروآباد کدام‌اند؟

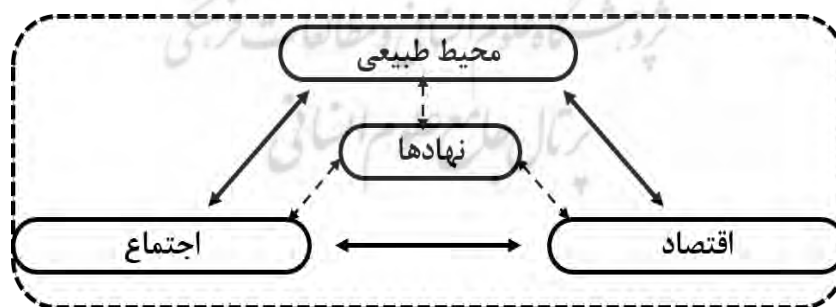
- راهبردهای مؤثر و چشم‌انداز مطلوب آینده بر مبنای ظرفیت‌ها، عوامل و فرآیندهای اثرگذار (درونی و بیرونی)، به منظور تبدیل روستاهای دارای توان مرکزیت به مرکز ثقل و محرکی در راستای ایجاد توسعه منطقه‌ای متوازن و یکپارچه شهرستان سروآباد کدام‌اند؟

کردستان است که قریب به ۸۱ درصد جمعیت شهرستان در ۷۲ نقطه روستایی در منطقه ساکن هستند (فرهنگ آبادی‌های استانداری استان کردستان، ۱۳۹۵)، این در حالی است که محرومیت و توسعه‌نیافتگی ویژگی بارز چشم‌انداز روستایی منطقه با وجود پتانسیل‌ها و مزیت‌های فراوان اقتصادی، اجتماعی و محیطی در این منطقه روستایی است؛ بنابراین، در حال حاضر مجموعه‌های روستایی شهرستان سروآباد در حد توان خود، ایفای نقش اقتصادی- اجتماعی نمی‌کند. این امر باعث ایجاد و تسریع چالش‌هایی در ساختارهای اکولوژیکی و منابع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و مدیریتی روستایی شهرستان می‌شود؛ به طوری که ادامه روند وضع موجود، منجر به عدم تعادل بیشتر منطقه‌ای (عدم ارتباط منطقی بین خدمات‌رسانی و تولید و استقرار جمعیت در نقاط روستایی)، انزوای منطقه و درنهایت، ایجاد روستاهای ناپایدار می‌شود؛ نمود این امر، کاهش ۹ درصدی جمعیت (قریب به ۵۰۰۰ نفر) در هر دو دوره سرشماری اخیر است (فرهنگ آبادی‌های ۱۳۹۵، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان). وضع موجود سازمان فضایی روستاهای شهرستان سروآباد، سازمان فضایی نامطلوب، بدون ارتباطات و جریان‌ات بین روستایی و در سطح منطقه نیز، با جهت‌گیری بیرونی بوده؛ به گونه‌ای که جریان‌ات کالا، سرمایه‌ها، نیروی کار و حتی مراجعات روزانه و هفتگی برای تأمین نیازها، به سمت بیرون از منطقه و شهرهای مریوان، سنندج و تهران است و این چنین، با خروج سرمایه‌های موجد توسعه از سطح منطقه، روند توسعه روستایی این منطقه روستانشین، کند شده و باچالش روبه‌رو شده و این در حالی است که در این فضا نیز نابرابری‌هایی با وجود ظرفیت‌ها و توانمندی‌های یکسان، ایجاد شده به گونه‌ای که روستاهایی که چهره صد سال پیش را در چشم‌انداز خود دارند و در همجواری آن‌ها روستاهایی با کیفیت مطلوب زندگی و چشم‌اندازی

مبنای نظری

بحث اصلی که در برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح می‌شود، نظم و انتظام‌دادن به فضاهای منطقه‌ای است. زمانی که بر تفاوت‌های منطقه‌ای اشاره می‌شود، این تفاوت بر معانی همچون: نابرابری، ناسازگاری و اختلاف‌دلالت دارد. در این حالت، در فضای جغرافیایی، هر منطقه با سرعتی متفاوت، مسیری متفاوت از توسعه را طی می‌کند که نتیجه آن ایجاد اختلاف و نابرابری منطقه‌ای است. این نابرابری‌های ایجادشده منطقه‌ای بدون توجه منطقی بوده و در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی توسعه به‌وقوع می‌پیوندند. در خصوص نابرابری‌های منطقه‌ای، دو دیدگاه مختلف وجود دارد. برخی آن را پدیده‌ای منفی و برخی دیگر، مثبت ارزیابی می‌کنند. گروه اول معتقدند، نابرابری بین مناطق، به‌دلیل عدم‌استفاده صحیح از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های مناطق است و نابرابری‌های منطقه‌ای به‌دلیل عدم‌بومی و محلی‌کردن جریان رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی پایدار است و گروه دوم، نابرابری‌های منطقه‌ای را نتیجه منحصربه‌فردبودن

منابع و قابلیت‌های برخی مناطق در مقابل سایر مناطق می‌دانند که می‌تواند مزیت‌های رقابتی را برای آن‌ها ایجاد کند. اساس برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بسیج مردم و منابع محلی برای بهبود سطح کیفیت زندگی‌شان است (Gajdová, 2016: 60-63؛ Sukko, 2008:1). توسعه منطقه‌ای به معنی توسعه همه‌جانبه یا جامع در یک قلمرو مشخص تعریف شده‌است. پایداری به‌عنوان هسته جدایی‌ناپذیر توسعه منطقه‌ای به‌عنوان تداوم سطح مطلوب کیفیت زندگی ساکنان با توجه به ظرفیت تحمل محیط اطلاق می‌شود؛ به‌گونه‌ای که تأمین نیازهای نسل فعلی، بدون ازبین‌بردن فرصت‌ها و توانمندی‌های نسل آتی در جهت رفع نیازهای‌شان باشد. به‌منظور حصول پایداری، بایستی نهادهای موجود در منطقه (رسمی و غیررسمی) در جهت حداکثرسازی درآمد از طریق استفاده کارآمد از منابع، براساس اصول پایداری و کاهش اثرگذاری عوامل و تهدیدهای خارجی منفی بر عملکرد منطقه در تکاپو باشند ابعاد اصلی توسعه پایدار منطقه‌ای در شکل زیر نشان داده شده‌اند. (Jovovic et al, 2017: 264)



شکل ۱: ابعاد اصلی توسعه پایدار منطقه‌ای و ارتباطات آن‌ها

مأخذ: Jovovic et al, 2017: 264

افزایش رقابت منطقه‌ای بر مبنای مزیت‌های آن‌ها انجام می‌گیرد (Darmansyah et al, 2013: 228). بحث اصلی که در برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح می‌شود، نظم و انتظام‌دادن به فضاهای منطقه‌ای است

امروزه، رقابت منطقه‌ای یک متغیر مهم بر عملکرد وضعیت توسعه منطقه و استراتژی‌های توسعه‌ای آن است (Kennedy, 2010: 16؛ Jovovic et al, 2017: 257). بر این اساس، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای با هدف

تا قبل از دهه ۱۹۶۰ بیشتر رهیافت‌های توسعه منطقه‌ای بدون دیدگاهی جامع بیشتر به صورت بخشی و بدون در نظرگیری فضا و ارتباطات و تعاملات فضایی- مکانی ارائه می‌شدند. در ادامه چند راهبرد مهم و اثرگذار در نظام برنامه‌ریزی توسعه منطقه آورده شده‌اند.

راهبرد قطب رشد^۱

فرانسیس پرو^۲ اقتصاددان فرانسوی در کنار افراد دیگری همچون، هیرشمن^۳، بودیل^۴ و میردال^۵ در فضای اروپای غربی بعد از جنگ دوم جهانی، ایده «قطب‌رشد» را مطرح کرد که گاهی به آن «قطب‌های توسعه» و «مراکز رشد» نیز گفته می‌شود. براساس نظریه‌های پرو، رشد در مناطق یا قطب‌هایی معین و در زمانی مشخص پدید می‌آید (عنبری و ملاکی، ۱۳۸۹: ۹۰؛ *Christofakis & Papadas kalopoulos, 2011:5*). نظریه قطب رشد، بر دو اثر استوار است: یکی اثرات تمرکز و دیگری اثرات پخش. بدین صورت که رشد همزمان در همه جا اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه در نقاط یا قطب‌های توسعه اتفاق می‌افتد که از قدرت جاذبه بالایی برخوردارند (اثر تمرکز). این نقاط، توسعه را در کانال‌هایی پخش می‌کنند که کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اثر پخش) (زیاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۴). قطب‌های رشد به مراکز شهری که زمینه و زیرساخت‌های لازم در آن‌ها تعبیه شده‌است، اطلاق می‌شود و در این راهبرد، بایستی دولت‌ها با مداخلات گسترده از بالا به پایین و با اعمال سیاست‌های شدید منطقه‌ای زمینه‌های تمرکز و در مرحله بعد نشر منافع را فراهم آورند

(*Papadaskalopoulos & Christofakis, 2011:6*)

(میزگرد گروه برنامه‌ریزی منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴). در این راهبرد، مناطق به‌سان تکه‌های پازلی دیده می‌شوند که باید به بهترین نحو در کنار هم و برای پوشش دادن نقاط ضعف هم، کنار یکدیگر قرار گیرند که این هم‌پوشانی را می‌توان تنها در سایه نبود تمرکزگرایی دانست و با تأکید بر دو جنبه مهم برنامه‌ریزی، یعنی جنبه فضایی فعالیت و سکونت در منطقه و نیز ماهیت فعالیت‌های اقتصاد منطقه‌ای، نوعاً دارای ماهیت آمیشی است و از اهداف آن، یافتن مکان‌های مناسب به منظور سرمایه‌گذاری برای تسهیلات، ایجاد مشاغل و خدمات و پیش‌بینی منابع لازم برای فعالیت‌های اقتصادی با تأکید بر مکان آن‌ها است (یاسوری و سجودی، ۱۳۹۵: ۷۴-۷۳). در شرایط کنونی توسعه منطقه‌ای و محلی، وابسته به نوآوری و کارآفرینی، رشد داخلی و تغییرات ساختاری است که هدف آن افزایش سطح زندگی جامعه محلی به‌واسطه بهبود ظرفیت تحول و انطباق و افزایش نوآوری است (*Apostolache, 2014: 36*).

اتخاذ یک استراتژی توسعه منطقه‌ای الزام اولیه برای اجرای موفق برنامه‌های توسعه منطقه‌ای است. عنصر اصلی این استراتژی، انتخاب مدل توسعه فضایی یا منطقه‌ای است. در عرصه بین‌المللی، دو مدل غالب وجود دارد: قطب رشد و مدل انتشار در کنار مدل توسعه یکپارچه محلی- درونی. استراتژی اول، اشاره به جذب فعالیت‌ها و تمرکز رشد اقتصادی در قطب‌ها دارد. جایی که انتظار بر این است که آثار و منافع توسعه به پیرامون پخش شده و تسری یابند. مدل دوم به توسعه فضایی منسجم اشاره دارد که بر پایه

استفاده از پتانسیل درونی مناطق است

(*Christofakis & Papadaskalopoulos, 2011:6*)

راهبرد مرکز پیرامون^۱

جان فریدمن^۲ نظریه پرداز اصلی این راهبرد، ضمن فاصله گرفتن از بحث‌های صرفاً اقتصادی به سمت بین‌قطبی شدن بین منطقه‌ای، کنش‌های متقابل و نظریه نوسازی حرکت می‌کند. به عقیده او هر کشور، از یک یا چند هسته و نواحی پیرامون تشکیل می‌شود. درحقیقت این نظام شهری است که مناطق هسته‌ای را تشکیل می‌دهد و نواحی پیرامونی نیز براساس روابطی که با هسته دارند، تعریف می‌شوند. فریدمن می‌گوید هر نظام جغرافیایی، دارای دو زیرنظام فضایی است. یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویای نظام است و دیگری پیرامون که می‌توان آن را بقیه نظام به حساب آورد و در حالت وابستگی یا سلطه‌پذیری نسبت به مرکز قرار دارد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۷). از سویی دیگر، درون زیرنظام حاشیه در هر کشور نیز، نظام‌های جزئی‌تر که دوباره، قابل تقسیم به مرکز و حاشیه یا پیرامون است، وجود دارند و از این‌رو سلسله‌مراتبی از نظام‌های درون یکدیگر وجود دارد که جریان تخلیه حاشیه به سوی مراکز در بالادست بوده است؛ اگرچه هر مرکز نیز به نسبتی حاشیه‌ای است و سکوه‌ای پرشی برای جریان سراسری منافع است. فریدمن اظهار می‌دارد که منطقه هسته‌ای، بر اثر افزایش تنش‌های سیاسی و اجتماعی بین مناطق هسته‌ای و پیرامونی، برجسته و مشهود می‌شود. چنین حالتی موجب پیدایی نقاط هسته‌ای جدید در مناطق پیرامونی می‌شود که رفته‌رفته بخش‌های وسیع‌تر پیرامونی را به چند منطقه هسته‌ای مبدل می‌سازد و این چنین، جریان توسعه، پراکنش یافته و توسعه متعادل منطقه‌ای حاصل می‌شود (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۹۷-۱۹۵). دلایل اصلی تمرکززدایی و ایجاد

هسته‌های دیگر نیز فقدان نیروی کار و افزایش قیمت‌ها در مراکز است (Raagmaa, 2003: 5).

رویکرد کارکردهای شهری و روستایی^۳ (UFRD)

راینلدی^۴ (۱۹۸۵) و رودل (۱۹۷۸) که مؤثرترین روش‌شناسی را برای این رویکرد ارائه کرده‌اند، تأکید دارند که استقرار تسهیلات و خدمات شهری برای توسعه و بهبود سلسله‌مراتب شهری متعادل که قادر به برانگیختن توسعه روستایی باشد، حیاتی است (ایزدی‌خرامه و افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۹-۳۷). در نظریه راندیلی، ایجاد شهرهای کوچک در پیوند عملکردی با حوزه‌های روستایی قرار گرفته تا تنوع‌بخشیدن به اقتصاد، صنعتی‌کردن، عرضه خدمات پشتیبانی و تجاری‌کردن کشاورزی و... سرانجام، سازماندهی و مدیریت توسعه را برآورده سازند. وی بر مفهوم برخورد وابستگی‌ها اهمیت می‌دهد و این وابستگی‌ها را بین حوزه‌های روستایی با شهرهای کوچک و بین شهرهای کوچک با شهرهای بزرگ لازم می‌داند و این تعادل فضایی، اجتماعی و اقتصادی را پایگاه اصلی در امر توسعه بیان می‌کند (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۷۷). تبدیل نقاط روستایی به شهر که در قالب راهبرد کارکردها مطرح می‌شود، ایجاد شهرهای کوچک را در پیوند شهری در توسعه روستایی، محور قرار می‌دهد. این سیاست معطوف به رویکرد شبکه منطقه‌ای به جای مدل‌های مبتنی بر نظام‌های بالا به پایین، همچون قطب رشد شهری است (برقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

معین. در دهه ۱۹۶۰ استراتژی مراکز رشد به مراکزی که به‌طور مشخص، توسعه روستایی را ترویج می‌کنند، گسترش یافت. میسرا^۵ به این نتیجه رسیده بود که فاصله اقتصادی و اجتماعی بین روستاها با نواحی شهری واقعاً زیاد است و این فاصله فقط با ظهور جوامع روستاشهری که از نظر اجتماعی نزدیک به روستاها اما از نظر اقتصادی و سازمان‌یافتگی بیشتر شبیه شهرها باشند، قابل کاهش است. همچنین، بر این نکته تأکید داشتند که زیربنای لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی، قابل تأمین در هر روستا نیست؛ زیرا اصولاً روستا واحد مناسبی برای اکثر این گونه عملکردها نیست. از طرفی، خدمات و نهاد موردنیاز برای توسعه نمی‌توانند بسیار دور از روستاها باشند. ایده مراکز رشد به معنی ایجاد تمرکز در سطح محدودتر و سطوح پایین‌تر سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها است؛ به عبارت دیگر، میسرا از این سه شکل توزیع سطح توسعه یعنی: تمرکز کامل، عدم تمرکز کامل و تمرکز غیرمتمرکز یا محدود، شق سوم را به‌عنوان راهبرد مناسب برمی‌گزیند؛ زیرا معایب دو گزینه دیگر، مانند تمرکز رشد و توسعه قطبی یا پراکندگی رشد را ندارند و از نظر مکانی نیز با ایجاد نظامی از کانون‌های رشد که برحسب سلسله‌مراتب، مرتب شده‌اند، همه نقاط جمعیتی به اندازه کافی رشد و توسعه می‌یابند. ایده مراکز رشد به معنی ایجاد سکونتگاه جدیدی نیست؛ بلکه به معنای حقیقی آن عبارت است از تجدید الگوی سکونت روستایی به نفع آن مراکزی که بیشترین امکان بالقوه برای توسعه و تبدیل شدن به مراکز رشد یا خدمات را دارند (جمعه‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲۸-۱۲۵).

برنامه‌ریزی استراتژیک در توسعه منطقه‌ای

در دهه ۱۹۹۰ رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک در سازماندهی و برنامه‌ریزی فضایی رواج یافت و با توجه به مطرح شدن پارادایم پایداری، تصور می‌شد که راه‌حل

راهبرد شبکه محلی، توسعه روستاشهری (منظومه کشت شهری)^۱

فریدمن^۲ و داگلاس^۳ از نظریه‌پردازان نامور این راهبرد هستند که اصل اساسی آن در توسعه غیرمتمرکز بر پایه ارتباط نواحی روستایی با شهرهای کوچک مرکزی است که دارای استقلال عمل و ارتباطات فضایی متقابلی هستند. در این رویکرد، شهر و روستا هر یک دارای نقش‌های مکمل یکدیگر هستند؛ به‌گونه‌ای روستاها مواد اولیه موردنیاز شهرها و نواحی شهری نیز نیازهای خدماتی و صنعتی روستاها را برآورده می‌کنند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۹۹؛ *Jahani & Ahmadian, 2015:35*). معنی این کار آن است که به جای سرمایه‌گذاری در شهرها و تشویق انتقال روستاییان به آنجا با سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی، آبادی‌های کنونی را متحول سازیم و ترکیب جدیدی به آن‌ها بدهیم که آن را روستاشهر یا شهرکشاورزی می‌نامیم. این استراتژی بر خوداتکایی و استقلال هر ناحیه روستاشهری تأکید دارد (جمعه‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰۸). توسعه ناحیه کشت شهری با هدف افزایش تولید محصولات کشاورزی و فروش و بازاریابی آن‌ها، حمایت از رشد صنایع کوچک و متوسط و تشویق به تنوع در فعالیت‌های اقتصادی متکی بر افزایش ارزش محصولات تولیدی کشاورزی و در واقع رشد و تبدیل کشاورزی سنتی به صنعت کشاورزی است (*Oryzanti et al, 2018:437*).

راهبرد استراتژی مراکز رشد^۴

مفهوم مراکز رشد از مفهوم اولیه قطب‌های رشد، گرفته شده‌است که این قطب‌ها، مراکز قدرت اقتصادی هستند؛ اما نه ضرورتاً متمرکز در مراکز جغرافیایی

1-Agropolitan approach development

2-Friedmann

3-Doxglass

4-Growth center strategy

عملکردی که مبتنی بر ارتباطات متقابل ذی‌نفعان و نقاط بوده، در کنار فرایند انجام و تحقق اهداف و برنامه‌ها، موردنظر است. برنامه‌ریزی به شیوه‌ای فضایی، چشم‌انداز منسجمی را که آینده‌ای جایگزین و مطلوب را تصور کند، نشان نمی‌دهد. در واقع، فقط بر این فرایند تأکید دارد که چه چیز نباید اتفاق بیفتد، اما نشان نمی‌دهد که چیزی بایستی اتفاق بیفتد (Dross et al, 2012:1-3).

چشم‌اندازسازی یکی از نکات قوت برنامه‌ریزی استراتژیک است که تصویری آرمانی اما متکی بر واقعیت‌های و توانمندی‌های موجود از آینده توسعه منطقه را نشان می‌دهد. چشم‌اندازهای ترسیمی برای توسعه مناطق، بایستی منحصربه‌فرد، قابل دستیابی، قابل‌انکاس (انتزاعی و نظری‌نبودن)، محرک و انگیزاننده و متکی بر اهداف باشند (Svetikas, 2014:56-57). بررسی پیشینه‌های پژوهش در جدول زیر (۱) دو موضوع عمده را روشن می‌سازد. در ابتدا وجود عدم تعادل‌های منطقه‌ای و سپس، نیاز به ایجاد رقابت منطقه‌ای با مراکز توانمند هدایت‌کننده؛ برای ایجاد فضای رقابتی در کنار توجه به آینده‌نگری و برنامه‌ریزی جامع و همه‌جانبه راهبردی در برنامه‌ریزی توسعه مناطق.

معضلات موجود در نابرابری‌های منطقه‌ای، ترکیب استراتژی‌های بلندمدت با راه‌حل‌های کوتاه‌مدت است که در چارچوب یک چشم‌انداز استراتژیک و آینده‌ای دست‌یافتنی، تدوین شده‌اند (Albrechts, 2004:743). برنامه‌ریزی استراتژیک را می‌توان فرایند تلاش در تدوین و اجرای استراتژی‌ها برای رسیدن به یک هدف خاص با ابزارهای در دسترس و توانمندی‌های موجود، تعریف کنم. برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک بعد از مطرح‌شدن پارادایم پایداری، بر ترویج کارآفرینی، نوآوری، خلاقیت، مشارکت و پایداری برنامه‌های توسعه تأکید کرده‌است تا بر پایه این اصول، چشم‌اندازی مطمئن برای سازماندهی فضا و توسعه متوازن فضایی ایجاد شود (Thoidou, 2013:12). این نوع برنامه‌ریزی به‌عنوان واکنشی به تغییرات وسیع در جامعه مانند بازسازی اقتصادی و اجتماعی با بازسازی فضای توسعه و ایجاد عدالت فضایی تلقی می‌شود (Olesen, 2010:3). هدف از برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی این است که تلاش و تمرکز بازیگران و ذی‌نفعان را به سمت اهداف بلندمدت و تحقق آن‌ها سوق دهیم. در برنامه‌ریزی فضایی یکی از محدودیت‌های مهم، محدودشدن فضای برنامه‌ریزی به فضای فیزیکی و اداری است؛ این در حالی است که در برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی، فضای

جدول ۱: خلاصه‌ای از پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با پژوهش

محقق (ان)/سال	عنوان اثر	نتایج
نگیموف و همکاران ^۱ (۲۰۱۸)	آینده‌نگری در ساخت استراتژی‌های توسعه پایدار منطقه‌ای در روسیه	۱۰ قوت در برابر ۷ ضعف و ۹ فرصت در برابر ۵ ضعف از سطح محلی تا ملی و فراملی، پیش‌روی مطلوبیت وضعیت اقتصادی و اجتماعی در منطقه جمهوری تاتارستان شناسایی شدند. سپس، تا سال ۲۰۳۸ هدف‌گذاری در ابعاد مختلف توسعه‌ای در این منطقه به عمل آمده‌است و درنهایت، با توجه به وضع موجود و اهداف تعیین‌شده، استراتژی‌هایی در سه بازه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۳۸ برای توسعه منطقه‌ای متعادل در این جمهوری تدوین شده‌است. مهم‌ترین استراتژی‌ها عبارت‌اند از: اجرای پروژه‌های بزرگ‌مقیاس توسعه منطقه‌ای، تقویت بنیه مالی به‌واسطه افزایش خودتکایی و خودگردانی محلی، تشویق خلاقیت و کارآفرینی، ایجاد جو مطلوب سرمایه‌گذاری، تشویق به‌کارگیری تکنولوژی‌های سبز، بهبود مدیریت اجرایی در پروژه‌های توسعه منطقه‌ای.
بردیگو و سولاگا ^۲ (۲۰۱۸)	شهرهای کوچک و میانی و توسعه مناطق روستایی در مکزیک	توسعه فضایی در بین مناطق شهری و روستایی به‌دلیل تخصیص خدمات و امکانات بیشتر به شهرها به‌صورت نابرابر بوده و ارتباطات متقابل روستا-شهری در مناطق مختلف به‌خوبی شکل نگرفته‌است. در این میان، شهرهای ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر از شهرهای با جمعیت کمتر و بیشتر از خود مطلوب‌ترین عملکرد را در خدمات‌رسانی به روستاها و ایجاد توسعه منطقه‌ای ایفا کرده‌اند.
یوسس و همکاران ^۳ (۲۰۱۷)	آیا هزینه‌های توسعه روستایی با نیازهای منطقه‌ای در اروپا مطابق است؟	در مجموع، هزینه‌های انجام‌شده در انطباق با نیازهای مناطق بوده‌اند؛ اما در این میان در برخی شاخص‌ها مانند رقابت‌پذیری در بهره‌وری کشاورزان، این روند بسیار مثبت‌تر از وضعیت زیست‌محیطی است. ۱۷ درصد از مناطق، دارای میزان تخصیص بودجه بیشتر نسبت به مناطق مشابه به خود هستند که این نشان از نوعی انحراف در تعیین اولویت‌ها و تخصیص‌ها دارد.
سویتیکاس ^۴ (۲۰۱۴)	برنامه‌ریزی راهبردی جهت توسعه منطقه‌ای	در این کتاب در ابتدا تئوری‌های توسعه منطقه‌ای و سپس ارتباط و نحوه انجام برنامه‌ریزی استراتژیک در راستای تأمین منافع توسعه منطقه‌ای توضیح داده می‌شود. تأکید اصلی کتاب بر همه‌جانبه‌بودن، آینده‌نگر بودن، انعطاف‌پذیر بودن، محلی بودن در عین ارتباط با سطوح بالاتر برنامه‌ریزی در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای است که از مدل برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی به‌عنوان مطلوب‌ترین روش برنامه‌ریزی در جهت دستیابی به اهداف مذکور، به‌منظور رقابتی کردن مناطق مختلف در راستای ایجاد توسعه پایدار منطقه‌ای نام برده می‌شود.
ساواتوشووا ^۵ (۲۰۱۲)	بررسی وضعیت توسعه نابرابری‌های منطقه‌ای جمهوری چک (سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰)	ارزیابی معیارهای عینی و ذهنی مختلف در چارچوب ابعاد اصلی توسعه، نشان دادند که با اجرای برنامه‌های توسعه در مجموع اختلافات بین مناطق (استان‌ها) در جمهوری چک کاهش یافته‌است. میزان آن از ۱۳ درصد به ۸ درصد تقلیل یافته، هرچند که هنوز هم در برخی مناطق اختلاف با سایر مناطق قابل توجه و نیازمند برنامه‌ریزی است.
دراکس و همکاران ^۶ (۲۰۱۲)	مبانی نظری برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک؛ روشی برای تحول فضایی	با توجه به رویکرد آینده‌نگرانه برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی و توان پیش‌بینی و در نظرگیری عدم قطعیت‌ها و آمادگی برای بهره‌برداری و تغییر آن‌ها با استراتژی‌هایی متناسب، این روش برنامه‌ریزی، می‌تواند ضعف‌های برنامه‌ریزی فضایی موجود را که با فقدان آینده‌نگری همراه است، برطرف ساخته و پایداری توسعه متعادل را به همراه آورد.
پریزادی و میرزاده (۱۳۹۷)	توسعه منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی	استان‌های کشور از نظر توسعه‌یافتگی، دارای نابرابری‌هایی است؛ به‌طوری‌که استان تهران به‌تنهایی در طول چند دهه بالاترین سطح توسعه‌یافتگی و استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین سطح در بین استان‌ها را دارند. همچنین مقایسه استان‌ها در طول دوره‌های مختلف نشان از نابرابری توسعه مرکز نسبت به پیرامون دارد. مطابق با نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق کاهش نابرابری بین استان‌های کشور، ضمن توجه به استعدادهای هر منطقه در اولویت قراردادن استان‌های محروم و کمتر توسعه‌یافته در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای را می‌طلبد.

- 1-Nagimov et all
- 2-Berdeguéa and Soloaga
- 3-Uthes et all
- 4-Svetikas
- 5-Svatoova
- 6-Dross et all

ادامه جدول ۱

محقق(ان)/ سال	عنوان اثر	نتایج
علوی و همکاران (۱۳۹۷)	تحلیل فضایی نابرابری‌های توسعه دهستان‌های منطقه مغان (مورد مطالعه: شهرستان‌های پارس‌آباد، گرمی و بيله‌سوار)	میان برخورداری و اندازه جمعیت دهستان‌ها رابطه مستقیم وجود دارد؛ در نتیجه دهستان‌های برخوردار ۳۵ درصد از جمعیت منطقه را در خود جای داده‌اند. این در حالی است که ۳ دهستان در گروه برخوردار قرار دارد. در حالی که ۴ دهستان گروه نابرخوردار ۹ درصد از جمعیت منطقه را دارند. ادامه این روند، تخصیص اعتبارات و امکانات بیشتر به دهستان‌های بزرگ، موجب خالی شدن روستاهای دهستان‌های کوچک‌مقیاس خواهد شد و مشکلات زیادی در سطح محلی و منطقه‌ای به بار خواهد آورد.
ارغان (۱۳۹۶)	تحلیل فضایی پایداری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان مهدیشهر)	در تحقیق حاضر بر این نکته تأکید شده‌است که دستیابی به پایداری از طریق سازماندهی یک نظام سلسله‌مراتبی سکونتگاهی که در آن هر یک از سکونتگاه‌ها نقش و کارکرد خود را به‌خوبی انجام می‌دهند، امکان‌پذیر است و راهبرد پایداری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در چهارچوب نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه، منطبق با ویژگی‌های جاذبه‌های طبیعی شهرستان مهدیشهر، میسر خواهد بود.
سعیدی و همکاران (۱۳۹۶)	تحلیل ساختار فضایی خمین با تأکید بر برنامه‌ریزی فضایی	ساختار بوم‌شناختی و انسان‌ساخت در منطقه سبب شکل‌گیری عرصه‌هایی شده که تمرکز جمعیت، خدمات و نقاط را در عرصه دشتی و مرکزی منطقه به همراه داشته‌است. پیامد این امر نیز شکل‌گیری نابرابری فضایی، فشار بر منابع طبیعی، ره‌اشدگی و تخلیه جمعیتی سکونتگاه‌ها بوده‌است.
زالی و پورمحمدی (۱۳۸۸)	تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای و آینده‌نگاری توسعه (نمونه موردی: استان آذربایجان شرقی)	نیمه غربی استان، تقریباً نیمه برخوردار و نیمه شرقی استان نیمه‌محروم یا غیربرخوردار است. به‌عبارت‌دیگر، از ۹ شهرستان واقع در سطوح اول و دوم برخورداری، ۸ شهرستان در نیمه غربی و تنها یک شهرستان (شهرستان سراب) در نیمه شرقی قرار گرفته‌است. در سطوح سوم و چهارم برخورداری که شهرستان‌های کم‌برخوردار را در خود جای داده‌است. تنها شهرستان ملکان از غرب استان در بین این شهرستان‌ها مشاهده می‌شود و بقیه شهرستان‌های آن از نیمه شرقی استان هستند.

مأخذ: نگارندگان، بر اساس سوابق پژوهشی ۱۳۹۷

روش تحقیق

هندسی $(MG = \sqrt[n]{X_1 * X_2 * \dots * X_N})$ انجام شد (مجموع ضرایب اهمیت معیارها برابر با یک است). بخش کیفی پژوهش، براساس قضاوت‌های گروه دلفی و مبتنی بر دو بخش بود؛ بخش اول، مرتبط با اختصاص وزن‌هایی از ۱- به معنی شرایط کم یا نامناسب، ۲- به معنی شرایط متوسط و ۳- شرایط مناسب، به متغیرهای کیفی مورد سنجش پایداری روستاها و بخش دوم، در تدوین برنامه‌ریزی استراتژیک در راستای افزایش توان روستاهای دارای قابلیت مرکزیت در نقش‌آفرینی توسعه منطقه‌ای شهرستان است. با توجه به جامع‌بودن مفهوم توسعه پایدار و بین‌رشته‌ای بودن آن، سعی شد که از افراد مختلفی از رشته‌های مرتبط و نیز مسئولان و مدیران محلی، بهره گرفته شود. به‌منظور تحقق این امر، به روش هدفمند و با توجه به معیارهایی همچون: سوابق پژوهشی در منطقه، سابقه مدیریتی و کاری بالای ۵ سال در شهرستان (در انتخاب دهیاران، دهیاران نمونه شهرستان با توجه به

پژوهش کاربردی حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی کمی- کیفی انجام شده‌است. در این راستا در بخش کمی پژوهش، از روش تاپسیس، مقایسه زوجی و شاخص‌های آمار فضایی (به‌دلیل محدودیت حجم و ذکر در منابع متعدد، مراحل ریاضی انجام این تکنیک‌ها آورده نشده‌است)، میزان پایداری سطح توسعه نواحی روستایی شهرستان به تفکیک شاخص‌ها و متغیرهای موردنظر (جدول ۲) سنجیده شد و بر این اساس، پایدارترین روستاها به‌عنوان روستاهای دارای توان ایفای نقش مرکزیت یا مراکز رشد روستایی، شناسایی شدند. لازم به ذکر است که راهبرد مراکز رشد روستایی در پژوهش حاضر، برای انجام برنامه‌ریزی، مدنظر قرار گرفت. همچنین، در مقایسه‌های زوجی، نرخ ناسازگاری کمتر از ۰,۱، مقیاس نه‌گانه مقایسه اهمیت‌ها، ارائه‌شده توسط توماس ال‌ساعتی و محاسبه وزن‌های نسبی این مقایسه به روش میانگین

دقیق‌تر، با دیدگاه فرمانداری شهرستان در هر دهستان، سه نفر دیگر از دهیاران یا اعضای شوراهای اسلامی (۱۸ نفر) که می‌توانستند کمک‌کننده باشند، به‌عنوان گروه کنترل، انتخاب و با تماس با آن‌ها خواسته شد تا آن‌ها نیز در ارزش‌گذاری به متغیرهای کیفی مشارکت داشته‌باشند که پس از حصول اجماع نظری پس از دو دور توزیع پرسشنامه‌ها (درصد فراوانی پاسخ‌های یکسان به یک عدد یا حالت (۱، ۲ یا ۳) به بیش از ۶۰ درصد پاسخ‌گویان رسیده باشد)، در مرحله بعد، این ارزش‌گذاری به اعضای گروه دلفی پژوهش نیز منعکس شد و از آن‌ها خواسته شد که دیدگاه این گروه را نیز مدنظر قرار دهند که درنهایت پس از حصول اجماع نظری این گروه نیز پس از دو دور توزیع پرسشنامه‌ها، وضعیت متغیرهای کیفی به مقادیر کمی (۱ تا ۳ که در بالا توضیح داده شده‌اند) تغییر یافت. این فرایند تلفیقی در شکل (۲) آورده شده‌است.

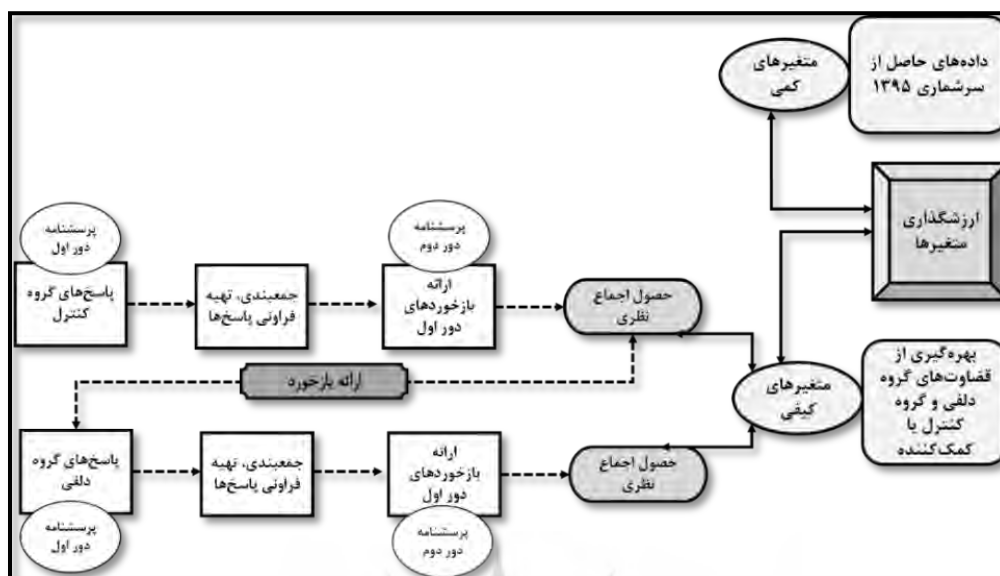
معرفی فرمانداری شهرستان انتخاب شدند، بومی بودن و نیز تخصص و سطح تحصیلی عالی دانشگاهی، تعداد ۲۴ نفر انتخاب شدند.

همان‌طور که در جدول زیر (۲)، که سازه توسعه در قالب شاخص‌ها و متغیرهایی عملیاتی شده مشاهده می‌شود، متغیرهای مورد سنجش پایداری توسعه در روستاها در دو دسته کمی و کیفی هستند که در متغیرهای کمی، داده‌های حاصل از سرشماری ۱۳۹۵ آورده شده در فرهنگ آبادی‌های ۱۳۹۵ شهرستان سروآباد و در متغیرهای کیفی نیز همان‌طور که عنوان شد، قضاوت گروه دلفی، مدنظر بوده‌است. ارزش‌گذاری و سنجش وضعیت روستاها در متغیرهای کیفی، نیازمند آگاهی دقیق از شرایط روستاهای منطقه است که در این راستا نیز انتخاب گروه دلفی از افراد بومی شهرستان، مدیران محلی و دهیارهای منتخب تا حدی این معضل را پوشش می‌داد؛ اما به‌منظور ارزش‌گذاری

جدول ۲: شاخص‌ها و متغیرهای مورد سنجش اندازه‌گیری سطح پایداری توسعه روستاهای منطقه

شاخص‌ها	متغیرها
اقتصادی	درصد شاغلان، درصد شاغلان زن، درصد شاغلان زن به مرد، معکوس بارتکفل، توانایی پس‌انداز، میزان درآمد، ارزش اقتصادی زمین و مسکن نسبت به روستاهای اطراف، ثبات درآمد، توان و تمایل روستاییان به سرمایه‌گذاری در روستا، تنوع محصولات تولیدی، میزان تأمین نیازهای ضروری از روستا، راندمان تولید در بخش‌های مختلف کشاورزی، درآمد دهیاری، تنوع منابع درآمدی، تعداد کسب‌وکار خرد مستقل در روستا، تمایل و توان مردم در دریافت و بازپرداخت وام، میزان سرمایه‌های روستاییان در خارج از روستا.
اجتماعی	نرخ رشد جمعیت، نسبت تعداد جمعیت از کل جمعیت روستایی شهرستان، معکوس بعد خانوار، نسبت واحد مسکونی به خانوار، درصد جمعیت فعال (۶۵-۱۵ سال)، درصد باسوادی، نسبت زن باسواد به مردان، میزان مشارکت مردم محلی در امور عمومی روستا، همکاری روستاییان با یکدیگر، میزان تنش و درگیری فردی و خانوادگی (معکوس)، تسلط فرهنگ تقدیرگرایی (معکوس)، مهاجرت فصلی نیروی کار (معکوس)، برگزاری مراسم بومی و محلی، داشتن صندوق‌های مشترک مالی، پوشش بیمه‌ای روستاییان.
محیطی	کفایت آب در دسترس برای کشاورزی، کیفیت منابع انرژی (آب، برق، گاز)، کیفیت بهداشت محیطی روستا، آسیب‌پذیری نسبت به مخاطرات محیطی (خشکسالی، زلزله، رانش و لغزش) (معکوس)، فرهنگ زیست‌محیطی، زیبایی چشم‌انداز طبیعی روستا، داشتن مرتع باکیفیت، داشتن توان طبیعی (زراعت، دامداری، منابع معدنی و...).
کالبدی	میزان ارتباط و مراجعه سایر روستاها، کشاورزی مکانیزه (روش‌های نوین، ماشین‌آلات و ابزار)، مطلوبیت موقعیت استقرار (امکان توسعه فیزیکی در آینده، دسترسی توسط روستاهای همجوار در بخش، فاصله تا شهر مرکزی)، مسکن نوساز، بازار فروش محصولات، اماکن و فضاهای باکیفیت به‌منظور استقرار سازه‌های توسعه‌ای، امنیت (سرمایه‌گذاری، استقرار تجهیزات، امنیت جانی و فاقد درگیری‌های سیاسی)، تطبیق ساخت‌وسازهای جدید با سنن بومی و محیط منطقه، نوع راه مواصلاتی، چندکارکردی بودن مسکن، خدمات، امکانات و زیرساخت‌ها (تعداد نهادها و افراد شاغل در عرصه بهداشتی و درمانی، تعداد نهادهای سیاسی و اداری، دسترسی به منابع انرژی و اینترنت، تعداد نهادهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی، تعداد نهادهای کشاورزی و بازرگانی)، اجرای طرح‌های هادی و کیفیت آن.
مدیریتی- نهادی	روستای هدف بودن (عرصه‌های گردشگری، کشاورزی و...)، تعداد اجرای طرح‌های توسعه‌ای (هادی، آبخیزداری، گردشگری و...)، تمایل مردم به عضویت در انجمن‌های مردمی محلی و وجود آن‌ها در روستاها، رضایت از ارتباط متقابل شوراها و مردم محلی، حمایت خانواده‌ها از خوداشتغالی جوانان.

مأخذ: نگارندگان، براساس سوابق پژوهش ۱۳۹۷



شکل ۲: فرایند ارزشگذاری متغیرهای کمی و کیفی

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷

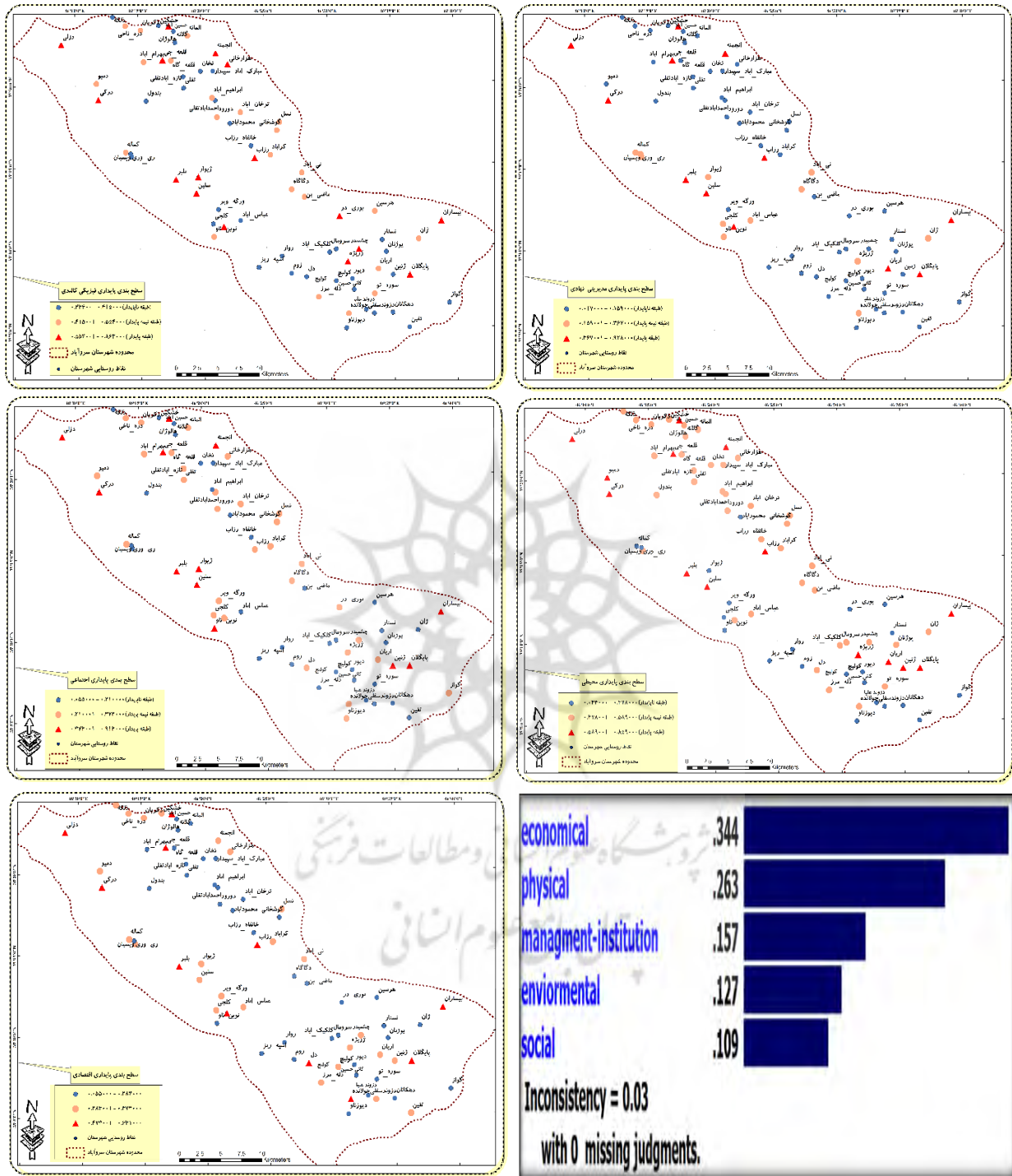
معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان سروآباد با مساحت ۱۱۶۸/۴ کیلومترمربع در جنوب غربی استان کردستان قرار گرفته و از شمال به شهرستان مریوان، از شمال غرب به کشور عراق، از غرب و جنوب به استان کرمانشاه و از شرق به شهرستان سنندج محدود می‌شود. شهرستان سروآباد براساس آخرین تقسیمات سیاسی- اداری کشور تا پایان سال ۱۳۹۵ دارای دو بخش مرکزی و اورامان و دو شهر به نام‌های سروآباد و اورامان تخت و هشت دهستان و ۷۲ آبادی دارای سکنه بوده‌است.

همچنین، در بخش دیگری از پژوهش از شاخص‌های آمار فضایی (خودهمبستگی موران و لکه‌های داغ) در محیط Arc Gis به منظور تعیین الگوی فضایی نحوه پایداری روستاهای شهرستان در راستای شناسایی مراکز رشد و نیز ترسیم سلسله‌مراتب مطلوب ارتباطات فضایی- مکانی روستاها بهره گرفته‌شد. همچنین، به منظور انجام برنامه‌ریزی ارتقای توان روستاهای دارای نقش مرکزیت در توسعه منطقه از روش برنامه‌ریزی استراتژیک بهره گرفته‌شد که با توجه به ذکر مراحل این روش، در منابع مختلف و محدودیت حجم از ارائه توضیحات مرتبط با مراحل آن صرف نظر شده‌است.

محیط روستایی منطقه است، وزن نسبی روستاها در هر شاخص حاصل از تکنیک تاپسیس، در وزن یا اهمیت نسبی شاخصها، ضرب و با جمع کردن آنها، وزن نهایی و به عبارتی میزان پایداری روستاهای منطقه محاسبه شد که این فرایند در جدول ۳ نشان داده شده است. در نهایت نیز با مشخص شدن اوزان نهایی برای روستاها برحسب خروجی ابزار لکه‌های داغ، متناسب با امتیاز نهایی پایداری روستاها، آنها در سه طبقه پایدار (لکه‌های داغ)، نیمه پایدار و ناپایدار (لکه‌های سرد) جای گرفتند (شکل ۵). همان‌طور که نتایج نهایی نشان می‌دهند به ترتیب روستاهای بیساران، دزلی، پایگلان، قلعه‌جی، سلین، درکی، حسین‌آباد، بلبر و رزاب، دارای بیشترین اوزان نهایی و به عبارتی پایدارترین نقاط روستایی شهرستان هستند که می‌توان از آنها به‌عنوان مرکز ثقلی در راستای ساماندهی فضایی و بهبود وضعیت توزیع فضایی پایداری توسعه در میان سایر روستاهای شهرستان در راستای ایجاد توسعه منطقه‌ای متوازن بهره برد.

خروجی نرم‌افزار Expert choice است، آورده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شاخص اقتصادی و سپس شاخص فیزیکی-کالبدی به ترتیب با وزن‌های نسبی برابر با ۰,۳۳۴ و ۰,۲۶۳ دارای بیشترین اهمیت در تأمین وضعیت پایداری نقاط روستایی شهرستان و مطرح کردن آنها به‌عنوان یک روستای دارای توان ساماندهی سایر روستاها هستند. این امر، بازتابی از شرایط اقتصادی منطقه است؛ چراکه در روستاهای محروم و مرزی همانند منطقه مورد مطالعه که انزوای جغرافیایی و دوری از مرکز، فقر اقتصادی و زیرساختی را به‌همراه آورده است؛ عامل اصلی بقای روستاها، مطلوبیت وضعیت شاخص‌های اقتصادی و دسترسی به خدمات و امکانات زیرساختی و کالبدی است؛ چراکه کمبود و نارسایی‌ها در این دو شاخص، از عوامل اصلی ایجاد فقر و بیکاری به‌عنوان موانع اصلی تحقق پایداری در مناطق روستایی محروم منطقه هستند. در نهایت نیز با مشخص شدن ضریب یا اهمیت نسبی هر یک از شاخص‌ها در راستای ایجاد توانمندی برای روستاها به‌منظور تبدیل به مرکز ثقل روستایی که دارای توان، جهت ساماندهی و نقش‌آفرینی در



شکل ۴: اهمیت نسبی و وضعیت پایداری توسعه روستاهای منطقه مورد مطالعه در ابعاد

اقتصادی، اجتماعی، محیطی، کالبدی و مدیریتی با بهره‌گیری از ابزار لکه‌های داغ

تهیه و ترسیم: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

جدول ۳: تعیین وزن نهایی و رتبه‌بندی روستایی منطقه براساس میزان پایداری

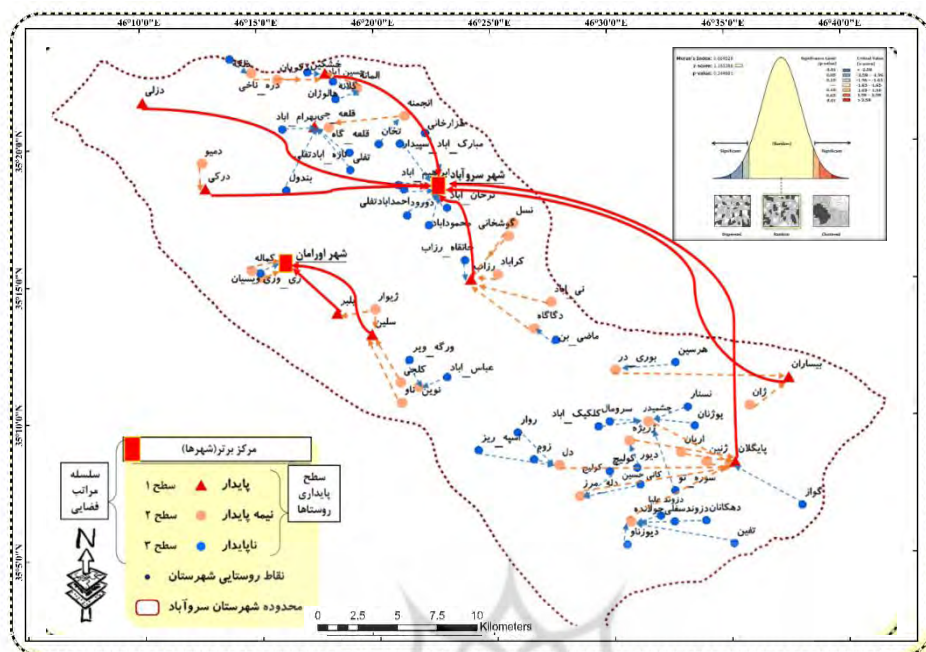
روستاها	وضعیت پایداری	رتبه	مجموع اوزان	وزن نهادی	وزن کالبدی	وزن محیطی	وزن اجتماعی	وزن اقتصادی
بیساران	پایدار	1	0.770958	0.154297	0.2171	0.109125	0.088026	0.202411
دزلی	پایدار	2	0.73014	0.089413	0.226989	0.103392	0.099465	0.210882
پایگلان	پایدار	3	0.620123	0.07945	0.191697	0.108793	0.059108	0.181075
قلعه جی	پایدار	4	0.598925	0.083967	0.199176	0.091772	0.057321	0.166689
سلین	پایدار	5	0.598084	0.085053	0.191139	0.081892	0.040597	0.199404
درکی	پایدار	6	0.583537	0.079353	0.166984	0.075216	0.052493	0.209491
حسین‌آباد	پایدار	7	0.570383	0.078929	0.170699	0.104722	0.051787	0.164247
بلبر	پایدار	8	0.544565	0.079821	0.177647	0.08043	0.043232	0.163434
رزاب	پایدار	9	0.534786	0.078644	0.14586	0.082188	0.038763	0.189333
انجمنه	نیمه پایدار	10	0.509126	0.078644	0.14586	0.090235	0.042611	0.151776
ژریژه	نیمه پایدار	11	0.489445	0.072569	0.159782	0.090292	0.026813	0.139989
نوبین	نیمه پایدار	12	0.480076	0.073626	0.148482	0.063207	0.03603	0.158731
دل	نیمه پایدار	13	0.448755	0.024005	0.141701	0.050457	0.037713	0.194877
ژنین	نیمه پایدار	14	0.447735	0.025069	0.154954	0.075216	0.041352	0.151145
آریان	نیمه پایدار	15	0.445014	0.078547	0.129067	0.075216	0.027929	0.134255
جولانده	نیمه پایدار	16	0.441116	0.073229	0.109812	0.060469	0.037863	0.159742
ژیوار	نیمه پایدار	17	0.438418	0.073318	0.158704	0.035376	0.05234	0.118681
هزارخانی	نیمه پایدار	18	0.42083	0.023884	0.14723	0.074318	0.035834	0.139563
کماله	نیمه پایدار	19	0.368219	0.068185	0.133312	0.006711	0.03232	0.127691
دمیو	نیمه پایدار	20	0.364651	0.013465	0.115444	0.075025	0.026228	0.134491
ناو	نیمه پایدار	21	0.36417	0.072482	0.130995	0.02731	0.041289	0.092094
کر آباد	نیمه پایدار	22	0.361511	0.014068	0.143909	0.07389	0.034401	0.095243
چشمیدر	نیمه پایدار	23	0.360334	0.013698	0.162013	0.060469	0.029179	0.094974
دله مرز	نیمه پایدار	24	0.352022	0.013465	0.127164	0.043129	0.019478	0.148787
گوشخانی	نیمه پایدار	25	0.350172	0.022092	0.142547	0.062873	0.037164	0.085496
نسل	نیمه پایدار	26	0.340636	0.011978	0.132032	0.055704	0.026476	0.114446
ذکریان	نیمه پایدار	27	0.336796	0.023189	0.124289	0.056045	0.027321	0.105953
ویسیان	نیمه پایدار	28	0.335707	0.068105	0.100000	0.043435	0.022196	0.10197
دره ناخی	نیمه پایدار	29	0.335666	0.013465	0.110761	0.065066	0.033087	0.113288
نی آباد	نیمه پایدار	30	0.328924	0.032543	0.119655	0.045727	0.029516	0.101484
ژان	نیمه پایدار	31	0.328372	0.031825	0.137167	0.062433	0.020585	0.076362
آلمانه	نیمه پایدار	32	0.326996	0.022092	0.138963	0.062455	0.025585	0.0779
کلجی	نیمه پایدار	33	0.313719	0.067783	0.100237	0.009982	0.024425	0.111291
دگاگاه	نیمه پایدار	34	0.300273	0.011978	0.11496	0.050594	0.032759	0.089981
بوری در	نیمه پایدار	35	0.297915	0.011978	0.162025	0.02713	0.028902	0.067879
قلعه‌گاه	نیمه پایدار	36	0.295809	0.011978	0.119094	0.052353	0.029448	0.082936
ابراهیم‌آباد	ناپایدار	37	0.293969	0.011978	0.125433	0.04563	0.020745	0.090183
بهرام‌آباد	ناپایدار	38	0.293876	0.013465	0.126298	0.060384	0.023027	0.070702

ادامه جدول ۳

وزن اقتصادی	وزن اجتماعی	وزن محیطی	وزن کالبدی	وزن نهادی	مجموع اوزان	رتبه	وضعیت پایداری	روستاها
0.069199	0.019787	0.04563	0.136538	0.022092	0.293247	39	ناپایدار	سوره تو
0.0882	0.022021	0.006711	0.097806	0.072482	0.28722	40	ناپایدار	ری وری
0.063147	0.034784	0.055978	0.121266	0.011978	0.287153	41	ناپایدار	ترخان‌آباد
0.061282	0.029784	0.069363	0.121738	0.00379	0.285957	42	ناپایدار	دورود
0.155659	0.034925	0.006663	0.069149	0.013603	0.279999	43	ناپایدار	ورگه ویر
0.084647	0.01993	0.026759	0.123781	0.022092	0.277209	44	ناپایدار	هرسین
0.108469	0.019209	0.005511	0.076548	0.067283	0.27702	45	ناپایدار	عباس‌آباد
0.069951	0.026652	0.060384	0.102899	0.007408	0.267295	46	ناپایدار	تفلی
0.092128	0.012362	0.053635	0.095926	0.011978	0.266029	47	ناپایدار	سرומال
0.111614	0.019743	0.045164	0.075119	0.011416	0.263057	48	ناپایدار	خشکین
0.088883	0.030625	0.032945	0.092892	0.013465	0.25881	49	ناپایدار	دیوزناو
0.099366	0.017751	0.062209	0.075187	0.00379	0.258303	50	ناپایدار	ذلکه
0.092423	0.015382	0.032997	0.100178	0.011978	0.252957	51	ناپایدار	نسنار
0.059052	0.022691	0.045398	0.110761	0.011978	0.249879	52	ناپایدار	ماضی بن
0.077894	0.021487	0.060068	0.072504	0.007408	0.239362	53	ناپایدار	مبارک‌آباد
0.062705	0.026726	0.043138	0.098442	0.00379	0.234801	54	ناپایدار	تازه‌آباد تفلی
0.151259	0.009269	0.006711	0.061552	0.00379	0.232581	55	ناپایدار	کولیچ
0.05967	0.027945	0.043435	0.095873	0.00379	0.230713	56	ناپایدار	احمدآباد تفلی
0.077777	0.018176	0.033137	0.085183	0.007408	0.221681	57	ناپایدار	روار
0.070262	0.015404	0.043138	0.085343	0.007408	0.221554	58	ناپایدار	خانقاه رزاب
0.119559	0.009988	0.015592	0.071366	0.00379	0.220294	59	ناپایدار	تغبین
0.1119	0.011236	0.015592	0.073286	0.002703	0.214716	60	ناپایدار	دزوند سفلی
0.064459	0.021891	0.045164	0.076766	0.00379	0.21207	61	ناپایدار	گلانه
0.055307	0.019539	0.04326	0.084507	0.007408	0.210021	62	ناپایدار	تخان
0.090732	0.008925	0.029593	0.076788	0.00379	0.209828	63	ناپایدار	کانی حسین بگ
0.051865	0.027492	0.032803	0.093332	0.00379	0.209282	64	ناپایدار	گواز
0.072416	0.018555	0.045164	0.063582	0.00379	0.203508	65	ناپایدار	هالوژان
0.056603	0.015945	0.043539	0.081579	0.00379	0.201456	66	ناپایدار	بندول
0.07675	0.017263	0.02731	0.064528	0.007408	0.193259	67	ناپایدار	زوم
0.059086	0.00881	0.043318	0.07416	0.007408	0.192782	68	ناپایدار	یوژنان
0.089039	0.012963	0.015592	0.06706	0.007646	0.192299	69	ناپایدار	دزوند علیا
0.021556	0.011273	0.043243	0.0734	0.011978	0.161449	70	ناپایدار	ککلیک‌آباد
0.057487	0.006192	0.026531	0.06706	0.00379	0.16106	71	ناپایدار	دیور
0.043402	0.007835	0.014927	0.06706	0.00379	0.137015	72	ناپایدار	دهکانان

همچنین، نحوه توزیع لکه‌های داغ و سرد و در واقع تفاوت سطح پایداری روستاها نیز در شاخص خودهمبستگی فضایی موران که در شکل (۵) آورده شده است، نشان می‌دهد که الگوی این توزیع در سطح منطقه به شکل تصادفی و نرمال است. در ادامه با مشخص شدن سطوح پایداری و تعیین روستاهایی که می‌توانند به‌عنوان مرکز ثقلی، تعیین‌کننده جهت و جریان توسعه منطقه‌ای شهرستان باشند، جریانات فضایی و ارتباطات مکانی روستاهای منطقه در قالب چهار سطح، یعنی روستاهای اقماری (روستاهای ناپایدار) سطح ۱، سطح ۲ (روستاهای نیمه‌پایدار)، سطح ۳ (روستاهای پایدار) و سطح ۴ مراکز برتر (شهرهای مرکزی) ترسیم شدند. نحوه ارتباطات و جریانات بدین ترتیب است که روستاهای اقماری سطح ۱ از روستاهای نیمه‌پایدار سطح ۲ و این دسته از روستاها نیز از روستاهای پایدار سطح ۳ و درنهایت روستاهای سطح ۴ نیز از مراکز منظومه یعنی شهرهای شهرستان، تبادل جریانات و بده‌بستان‌های اقتصادی، انسانی، خدماتی و برنامه‌ای خواهند داشت. بدین ترتیب، با ساماندهی ایجادشده فضایی، توسعه غیرمتمرکز بر مبنای مراکز رشد، حاصل و نشت و ریزش ثمرات توسعه از سطوح بالاتر و برخوردارتر به سطوح پایین‌تر و غیربرخوردارتر به گونه‌ای منطقی و عقلانی ایجاد شده و تخصیص سرمایه‌ها و استقرار خدمات و امکانات بر پایه قابلیت‌ها و سطوح پایداری روستاها انجام می‌گیرد. لازم به ذکر است، در ترسیم این سلسله‌مراتب، علاوه بر امتیاز پایداری، ارتباطات فرهنگی و اجتماعی و شرایط میدانی روستاهای

همجوار نیز در نظر گرفته شده است. در این میان، همان‌طور که در شکل زیر (شکل ۵) نیز مشاهده می‌شود، روستای پایگلان به‌عنوان یکی از مراکز خدماتی سطح ۳ شهرستان یا یکی از مراکز رشد روستایی، دارای بیشترین ارتباط و جریان به روستاهای نیمه‌پایدار و ناپایدار است که این امر، همان‌طور که عنوان شد، تابعی از شرایط اقتصادی و اجتماعی در بین روستاهای همجوار این روستا است که تمایل و تقارب بیشتری با این روستا نسبت به دیگر روستاهای پایدار همجوار دارند. در مجموع، با توجه به نحوه جریانات ترسیم‌شده بین روستاها که جدای از سطوح پایداری با در نظرگیری شرایط فرهنگی، اجتماعی، فواصل بین روستاها و نحوه دسترسی آن‌ها به روستاهای پایدار بوده، می‌توان شش حوزه یا مجموعه روستایی به مرکزیت روستاهای بیساران، پایگلان، رزاب، قلعه‌جی، حسین‌آباد و سلین را تعیین کرد. این روستاها به‌عنوان مراکز رشد، در واقع بیشترین نقش را در هدایت و حصول توسعه منطقه‌ای متعادل در شهرستان سروآباد ایفا می‌کنند. روستاهای نزدیک به شهرهای اورامان و سروآباد به‌صورت اقماری مستقیم از این مراکز، خدمات می‌گیرند. روستای دزلی نیز به‌عنوان یک روستاهای پایدار که قابلیت تبدیل به مجموعه روستایی را دارد، به‌دلیل موقعیت ارتباطی نه‌چندان مطلوبی که با سایر روستاها دارد و نزدیکی روستاهای همجوار و قابلیت مطلوب‌تر دسترسی آن‌ها به سایر مراکز برتر، نتوانسته حوزه‌ای تشکیل دهد و بر این اساس به‌صورت مستقل به‌عنوان یک کانون پایدار و اثرگذار در سطح محلی، عمل خواهد کرد.



شکل ۵: ساماندهی فضایی- مکانی روستاها و نحوه توزیع مراکز رشد در سطح شهرستان

تهیه و ترسیم: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

روستاییان با اتکا بر روستاهای دارای توان و پایدار می‌داند. ما (تیم دلفی پژوهش) معتقدیم که توسعه پایدار روستایی در فضای محلی و منطقه‌ای شهرستان سروآباد با توجه به شرایط خاص و نیروهای مختلف درونی و بیرونی اثرگذار بر روند توسعه روستاهای منطقه، جز با یکپارچه‌دیدن‌شان در قالب برنامه‌ای مدون، آینده‌نگرانه، جامع و واقع‌گرا و به دنبال آن ایجاد یک نظم منطقی، سلسله‌مراتب و چارچوب‌بندی فضایی بر پایه نقش‌آفرینی و مرکز ثقل قرارگرفتن روستاهای پایدار، امکان‌پذیر نخواهد بود. در واقع ما بر این باوریم که در میان راهبردهای مختلفی که به منظور دستیابی به توسعه روستایی وجود دارد، تدوین راهبردهای ایجاد و تقویت مراکز رشد بر پایه روستاهای دارای توان و پایدار، بهترین کارایی را در جهت تحقق ارتباط و تعامل سازنده روستاها با روستاها، روستاها با محیط‌شان و روستاها با نواحی شهری منطقه خواهد داشت که برآیند این امر نیز، قدر مسلم حرکت در مسیر توسعه پایدار منطقه‌ای در شهرستان سروآباد خواهد بود.

برنامه‌ریزی استراتژیک ارتقای توان روستاهای پایدار در جهت نقش‌آفرینی در توسعه پایدار منطقه‌ای

فراهم‌کردن مقدمات

این مرحله با مشخص کردن افراد و در واقع گروهی که کار برنامه‌ریزی را انجام می‌دهند، آغاز شد. در ابتدا تعریفی از موضوع مورد بررسی و تحلیلی کلی از وضع موجود انجام گرفت، سپس محدوده برنامه‌ریزی، مراحل آن و زمان‌بندی جلسات تدوین برنامه، مشخص شد. افراد مشارکت‌کننده در این مرحله نیز همان تیم دلفی پژوهش هستند که ویژگی‌های آن‌ها در این فصل ذکر شد.

تعیین (بیانیه) اهداف، مأموریت‌ها و ارزش‌ها

گروه دلفی پژوهش، رسالت اصلی خویش را برنامه‌ریزی در جهت حرکت موزون، متعادل و هماهنگ روستاهای شهرستان سروآباد در مسیر توسعه منطقه‌ای پایدار و ایجاد محیطی متعالی و باکیفیت زندگی مناسب برای

اهداف تعیین شده

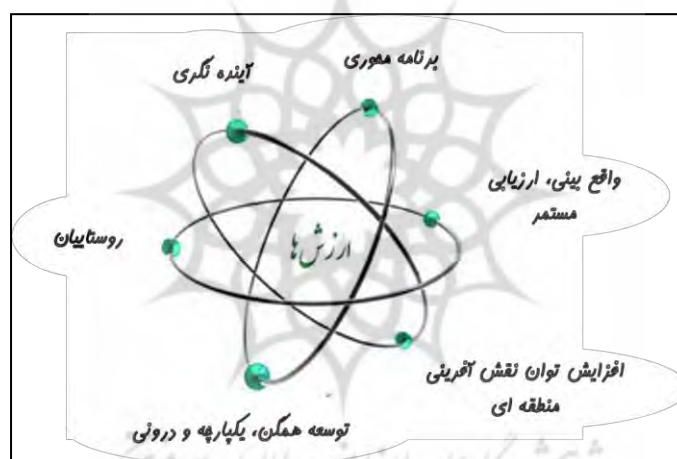
- سامان دادن و جهت دادن صحیح به برنامه ریزی ها، امکانات و سرمایه های در نظر گرفته شده در جهت توسعه روستایی منطقه.

- ترسیم چشم اندازی استراتژیک به منظور افزایش توان و قدرت تاب آوری مراکز رشد روستایی منطقه.

در نهایت، براساس مأموریت ها و اهداف ذکر شده، ارزش های مدنظر قرار گرفته در تدوین برنامه استراتژیک افزایش توان روستاهای پایدار (مراکز رشد) در راستای افزایش نقش آفرینی منطقه ای، در شکل زیر نشان داده شده است.

- تعیین عوامل درونی (قابلیت ها و ضعف ها) و عوامل بیرونی (تهدیدها و فرصت ها) مؤثر بر نقش آفرینی روستاهای پایدار (مراکز رشد) در جهت ساماندهی فضایی- مکانی و حصول توسعه پایدار منطقه ای شهرستان.

- تدوین راهبردهای مناسب به منظور افزایش توان نقش آفرینی روستاهای پایدار، در جهت ساماندهی فضایی- مکانی و حصول توسعه پایدار منطقه ای شهرستان.



شکل ۶: ارزش های مدنظر در تدوین برنامه استراتژیک افزایش توان روستاهای پایدار در راستای افزایش نقش آفرینی منطقه ای تهیه و ترسیم یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

موجود به عنوان یکی از مراحل مهم در برنامه ریزی استراتژیک انجام و راهبردهای مناسب اتخاذ شد. لازم به ذکر است که در این مرحله ابتدا میزان موافقت پاسخگویان با هریک از عوامل آورده شده در طیف پنجگانه لیکرت (۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- متوسط، ۴- زیاد، ۵- خیلی زیاد) سنجیده شد. همان طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، در نواحی روستایی مورد مطالعه تعداد ۱۴ قوت در مقابل ۱۸ ضعف (عوامل درونی) و ۷ فرصت در مقابل ۹ تهدید (عوامل بیرونی)

شناخت محیط داخلی - خارجی و تعیین استراتژی ها با استفاده از تکنیک سوات

بر این مبنا در این مرحله سه گام طی شد که در ابتدا پس از مشخص شدن نقاط ضعف، قوت، تهدیدها و فرصت های مؤثر بر تبدیل شدن روستاهای پایدار منطقه به عنوان مرکز ثقلی در راستای ساماندهی و نقش آفرینی منطقه ای (جدول ۴) پرسشنامه ای طراحی و در اختیار گروه دلفی پژوهش قرار داده شد تا به دنبال انجام تجزیه و تحلیل ها، شناخت جامع وضع

میزان تعیین‌کننده بودن هر مورد به‌عنوان عاملی تهدیدکننده، فرصت‌زا، تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده است نیز مشخص شد که در جدول زیر، نتایج آن آورده شده‌است.

در برابر تبدیل روستاهای پایدار منطقه به مرکز ثقلی در راستای حرکت به سمت توسعه پایدار منطقه و افزایش توان نقش‌آفرینی آن‌ها، شناسایی و مورد تأیید قرار گرفتند. همچنین با توجه به میزان وزن نسبی هر عامل نیز رتبه‌بندی که در واقع نشانگر میزان اهمیت و

جدول ۴: عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر تبدیل‌شدن روستاهای پایدار منطقه به‌عنوان مرکز ثقلی در راستای ساماندهی و نقش‌آفرینی منطقه‌ای و اولویت‌بندی آن‌ها

رتبه	وزن نسبی ^۱	میانگین وزن‌ها ^۲	مجموع وزن‌ها ^۳	مدل سوات	عوامل درونی
۱	۰,۳۴۲	۴,۷۹	۱۱۵	S1= فراهم‌بودن زمینه‌های تنوع‌بخشی اقتصادی (کشاورزی، گردشگری، خدمات، تولیدی‌های کوچک و متوسط)	
۲	۰,۳۳۲	۴,۶۶	۱۱۲	S2= وجود بازارچه مرزی دزلی	
۳	۰,۳۲۷	۴,۵۸	۱۱۰	S3= رضایت‌بخش بودن زیرساخت‌های کالبدی	
۴	۰,۳۱۷	۴,۴۵	۱۰۷	S4= انتخاب چند روستای پایدار به‌عنوان روستاهای هدف گردشگری (طبیعت‌گردی و جنگ) در استان	
۵	۰,۳۰۹	۴,۳۳	۱۰۴	S5= وجود سرمایه انسانی بالقوه	
۶	۰,۳۰۳	۴,۲۵	۱۰۲	S6= وجود روحیه تولیدمحوری و خوداشتغالی روستاییان	
۷	۰,۳۰۰	۴,۲۰	۱۰۱	S7= توجه‌پذیری مکانیزاسیون کشاورزی	
۸	۰,۲۹۱	۴,۰۸	۹۸	S8= بهره‌گیری از نیروی اشتغال و تولید زنان در محیط روستاها	
۹	۰,۲۸۲	۳,۹۵	۹۵	S9= دانش بومی و سازگار با شرایط روستاها در جهت حفظ و بهره‌برداری از توان‌های محیطی	
۱۰	۰,۲۶۷	۳,۷۵	۹۰	S10= سرمایه‌های خارج از روستای روستاییان و سرمایه‌گذاران بومی خارج از روستا	
۱۱	۰,۲۳۸	۳,۳۳	۸۰	S11= مطلوب بودن سرمایه‌های اجتماعی (روحیه مهمان‌نوازی، نزاع و درگیری کم، تعاون و همکاری روستاییان و...)	
۱۲	۰,۲۲۰	۳,۰۸	۷۴	S12= روستایی بودن اکثریت جمعیت شهرستان و رتبه اول از لحاظ میزان روستانشینی در میان شهرستان استان	
۱۳	۰,۲۰۲	۲,۸۳	۶۸	S13= اهمیت دادن مردم محلی به فرهنگ بومی	
۱۴	۰,۱۹۰	۲,۶۶	۶۴	S14= یکپارچگی قومی و مذهبی	
۱	۰,۲۶۸	۴,۸۳	۱۱۶	W1= فقدان نظام سالم بازاریابی و بازاریابی محصولات تولیدی و نبود خدمات پشتیبان تولید	عوامل بیرونی
۲	۰,۲۶۳	۴,۷۵	۱۱۴	W2= ضعف عملکرد متولیان توسعه روستایی	
۳	۰,۲۵۶	۴,۶۲	۱۱۱	W3= تعطیلی‌های مکرر و تعلیق بازارچه‌های مرزی منطقه	
۴	۰,۲۵۲	۴,۵۴	۱۰۹	W4= هم‌ردیف دانستن توسعه روستایی با توسعه کشاورزی سنتی	
۵	۰,۲۵۰	۴,۵۰	۱۰۸	W5= فقر و بیکاری در برخی روستاهای هدف	
۶	۰,۲۴۳	۴,۳۷	۱۰۵	W6= سرمایه‌گذاری اندک بخش خصوصی و دشواری دسترسی به سرمایه‌گذاری‌های بانکی	

۱- میانگین وزنی تقسیم بر تعداد کل عامل‌ها در هر موقعیت

۲- مجموع وزن‌ها تقسیم بر تعداد کل پاسخگویان (۲۴ نفر)

۳- مجموع حاصل ضرب تعداد انتخاب‌گزینه‌ها در طیف لیکریت در ارزش عددی آن‌ها (۱۱۵=۱۴*۵)+(۷*۴)+(۵*۳)+(۱*۲)+(۱*۱)

۷	۰,۲۳۶	۴,۲۵	۱۰۲	w7 = ضعف در نحوه بهره‌برداری از منابع مالی خرد و هدایت آن‌ها در جهت هم‌افزایی و افزایش بهره‌وری در روستاها				
۸	۰,۲۳۳	۴,۲۰	۱۰۱	w8 = فقدان صنایع تبدیلی در روستاها				
۹	۰,۲۲۹	۴,۱۲	۹۹	w9 = رقابتی و برنامه‌مدار نبودن محصولات متنوع تولیدی در روستاها				
۱۰	۰,۲۲۶	۴,۰۸	۹۸	w10 = فصلی بودن گردشگری و درآمدزایی اندک روستاییان از فعالیت‌های گردشگری و کشاورزی				
۱۱	۲,۰۸	۳,۷۵	۹۰	w11 = مهاجرت‌های فصلی نیروهای کار در روستاها				
۱۲	۰,۱۸۹	۳,۴۱	۸۲	w12 = کمبود نیروهای متخصص و آموزش‌دیده				
۱۳	۰,۱۷۵	۳,۱۶	۷۶	w13 = کمبود نهادهای غیردولتی و مردمی و تعاونی‌های تولیدی				
۱۴	۰,۱۷۱	۳,۰۸	۷۴	w14 = سرمایه‌گذاری روستاییان در شهرهای همجوار				
۱۵	۰,۱۶۱	۲,۹۱	۷۰	w15 = وجود مشاغل کاذب در روستاها				
۱۶	۰,۱۵۲	۲,۷۵	۶۶	w16 = نامناسب بودن وضع مالکیت اراضی و نظام بهره‌برداری کشاورزی				
۱۷	۰,۱۳۸	۲,۵۰	۶۰	w17 = فقدان آمارهای کاربردی و به‌روز				
۱۸	۰,۱۲۹	۲,۳۳	۵۶	w18 = تخریب بافت‌های باارزش تاریخی و فرهنگی				
۱	۰,۶۶۵	۴,۶۶	۱۱۲	O1 = تغییر جهت دیدگاه برنامه‌ریزی و تخصیص خدمات و امکانات در کشور به سمت حمایت از روستاهای مستعد			توسعه روستا	
۲	۰,۶۱۹	۴,۳۳	۱۰۴	O2 = نیاز به تأمین امنیت پایدار در این منطقه مرزی با توسعه روستایی				
۳	۰,۵۸۹	۴,۱۲	۹۹	O3 = تمایل بخش خصوصی و مردم کشور در جهت سرمایه‌گذاری و بازدید از روستاهای دارای پتانسیل گردشگری به‌عنوان یکی از پتانسیل‌های مهم این روستاها				
۴	۰,۵۵۹	۳,۹۱	۹۴	O4 = ارزان بودن هزینه‌های تمام‌شده تولید و سرمایه‌گذاری نسبت مناطق دیگر روستایی همجوار در شهرستان‌های استان				
۵	۰,۵۳۵	۳,۷۵	۹۰	O5 = قرار گرفتن در مرکز ثقل سه شهرستان مریوان، کامیاران، سنندج و کرمانشاه				
۶	۰,۵۰۰	۳,۵	۸۴	O6 = مجاورت منطقه با شهر مریوان به‌عنوان قطب گردشگری (تجاری) استان و منطقه و بازار مصرف اقلیم کردستان عراق				
۷	۰,۳۹۲	۲,۷۵	۶۶	O7 = وجود ظرفیت استقرار جمعیت بیشتر در این روستاها				
۱	۰,۵۴۱	۴,۸۷	۱۱۷	T1 = افزایش هزینه‌های زندگی	توسعه منطقه			
۲	۰,۵۰۰	۴,۵	۱۰۸	T2 = دید امنیتی و تهدیدمحورانه (انسدادی) بر مدیریت توسعه روستاهای مرزی کشور				
۳	۰,۴۶۲	۴,۱۶	۱۰۰	T3 = کمبود بودجه تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاها				
۴	۰,۴۵۳	۴,۰۸	۹۸	T4 = بهره‌وری اندک (خام‌فروشی، ناکارآمدی نظام بهره‌برداری) و نامناسب بودن فضای کسب‌وکار روستاها در کشور				
۵	۰,۴۱۶	۳,۷۵	۹۰	T5 = فقدان دید پایداری در نظام برنامه‌ریزی توسعه‌ای کشور به‌ویژه توسعه روستایی				
۶	۰,۳۵۱	۳,۱۶	۷۶	T6 = کمبود اعتبارات مالی تخصیصی به دهیاری‌ها				
۷	۰,۳۲۴	۲,۹۱	۷۰	T7 = وجود واسطه‌ها و دلال‌ها در بخش کشاورزی				
۸	۰,۲۸۷	۲,۵۸	۶۲	T8 = فقدان بیمه‌های موردنیاز روستاییان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی				
۹	۰,۲۴۰	۲,۱۶	۵۲	T9 = تضعیف فرهنگ‌های کهن و بومی در سطح استان و کشور				

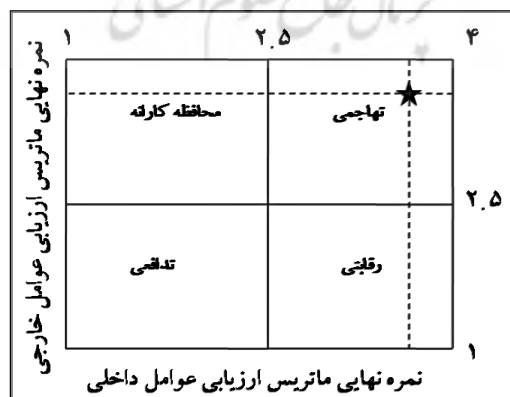
در راستای تقویت نقاط روستایی پایدار منطقه درجهت تعادل‌بخشی به جریان توسعه شهرستان باید به سمتی پیش رود و استراتژی‌هایی برگزیده شوند که همزمان نقاط قوت و فرصت‌ها به حداکثر برسند و در واقع با استفاده از نقاط قوت، از فرصت‌ها بهره‌برداری کنیم و این چنین، این نقاط روستایی را به مراکز ثقلی در راستای توسعه منطقه‌ای و ایجاد توسعه فضایی عادلانه و پایدار منطقه هدایت کنیم. در واقع، بایستی در مسیر رشد و ساخت یک سیستم منسجم و کارایی توسعه منطقه‌ای در سطح روستاهای شهرستان با بهره‌گیری از توانمندی‌ها و قابلیت‌های درونی روستاهای پایدار آن و فرصت‌های بیرونی محرک و تقویت‌کننده این توانمندی‌ها حرکت کرد.

در ادامه به منظور تعیین اینکه کدام استراتژی‌ها، بایستی تدوین و اجرایی شوند، نیاز است تا ماتریس داخلی- خارجی ترسیم و با توجه به امتیازات عوامل درونی و بیرونی حاصل از میانگین‌های وزنی عوامل، جایگاه سیستم در این ماتریس مشخص و با توجه به آن، نوع استراتژی‌های انتخاب و تدوین شوند. چگونگی تلاقی مجموع وزن‌های عوامل داخلی (۳,۸۴) با مجموع وزن‌های عوامل خارجی (۳,۷۰) نشان‌دهنده قرارگیری منطقه مورد مطالعه در ناحیه رشد و ساخت و قوت است (جدول ۵). در نتیجه راهبردهای قابل قبول نیز با توجه به امتیازات به دست آمده در ماتریس موقعیت‌های چهارگانه داخلی- خارجی، الگوی تهاجمی یا رقابتی (SO) است (شکل ۷)؛ بنابراین، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

جدول ۵: مجموع وزن‌های نسبی عوامل بیرونی و داخلی

عوامل بیرونی: ۳,۷۰	فرصت‌ها: ۳,۸۶	عوامل درونی: ۳,۸۴	نقاط قوت: ۳,۹۲
	تهدیدها: ۳,۵۷		نقاط ضعف: ۳,۷۸

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷



شکل ۷: جایگاه موقعیت تنوع‌بخشی اقتصاد منطقه در ماتریس موقعیت‌های چهارگانه داخلی- خارجی،

تهیه و ترسیم: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

(مراکز رشد) با شناسایی و گنجاندن تمامی ظرفیت‌ها و توان‌های آن‌ها به‌عنوان اولویت‌دارترین و مهم‌ترین استراتژی با داشتن بیشترین میانگین وزنی انتخاب شده‌است. عموماً استراتژی‌هایی دارای اولویت‌های اولیه هستند که دارای تأثیرات اقتصادی هستند. این امر، اهمیت مطلوبیت شاخص‌های اقتصادی را در پایداری نقاط روستایی به‌ویژه نقاط روستایی دورافتاده‌ای همچون منطقه مورد مطالعه در سطح محلی و منطقه‌ای نشان می‌دهد.

بر این اساس، استراتژی‌های قابل قبول بر مبنای الگوی مطلوب (تهاجمی) به شرح جدول ۶ تدوین شدند، حال در این مرحله با امتیازدهی گروه دلفی پژوهش (جدول ۶)، این استراتژی‌ها، اولویت‌بندی و در واقع، ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی، تشکیل شد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، استراتژی‌ها در سه رده اولویت‌های اول، اولویت‌های دوم و اولویت‌های سوم، دسته‌بندی شدند. در این میان نیز استراتژی تدوین طرح جامع تنوع‌بخشی به اقتصاد این روستاها

جدول ۶: استراتژی‌های تهاجمی و اولویت‌بندی آن‌ها

اولویت	میانگین	استراتژی‌های تهاجمی	
اولویت‌های رده اول	۱	۴,۰۰	SO ₅ - تدوین طرح جامع تنوع‌بخشی به اقتصاد این روستاها با شناسایی و گنجاندن تمامی ظرفیت‌ها و توان‌های آن‌ها.
	۲	۳,۹۴	SO ₁₄ - تبدیل این روستاها به خوشه‌ها و زنجیره‌های کوچک و متوسط کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی همراه با ایجاد و توسعه بازارهای محلی فروش.
	۳	۳,۸۷	SO ₁ - گسترش زمینه‌های اقسام گردشگری جنگ، گردشگری فرهنگی، گردشگری تجاری، طبیعت‌گردی و گردشگری سلامت (بهره‌گیری از گیاهان دارویی و طبیعت‌درمانی).
	۴	۳,۷۴	SO ₉ - توانمندسازی روستاییان با تأکید بر روحیه خودباوری به‌منظور افزایش تولید، خوداشتغالی و کارآفرینی.
	۵	۳,۷۰	SO ₁₂ - اتخاذ دیدگاه مدیریت مرزی فرصت محورانه بر پایه بهره‌گیری از پتانسیل‌های این روستاها با توجه به ارتباط متقابل تأمین امنیت با تأمین سطح مطلوب معیشت و توسعه روستاهای پایدار منطقه.
اولویت‌های رده دوم	۶	۳,۶۵	SO ₁₃ - افزایش توان رقابت‌پذیری محصولات تولیدی این روستاها (کشاورزی-گردشگری و خدمات) در بازارها.
	۷	۳,۶۲	SO ₁₆ - جذب حداکثری سرمایه‌های دولتی با توجه به درصد روستانشینان و قابلیت روستاهای پایدار.
	۸	۳,۵۶	SO ₆ - تقویت بنیان‌های اقتصادی با نقش‌پذیری جدید روستاهای جهت جذب، افزایش و پایداری جمعیت آن‌ها.
	۹	۳,۵۴	SO ₈ - تغییر رویه در نحوه بهره‌برداری از منابع مالی خرد روستاییان و هدایت آن‌ها در جهت هم‌افزایی و افزایش بهره‌وری در روستاها در قالب تعاونی‌ها و فعالیت‌های اقتصادی مشترک.
اولویت‌های رده سوم	۱۰	۳,۴۸	SO ₇ - تقویت مدیریت یکپارچه‌سازی اراضی و به‌کارگیری تکنولوژی در کشاورزی منطقه با حمایت مسئولان، ورود بخشی خصوصی و دانش بومی مردم محلی.
	۱۱	۳,۴۷	SO ₁₁ - برنامه‌ریزی در جهت جذب سرمایه‌های روستاییان بومی خارج از روستا.
	۱۲	۳,۴۴	SO ₂ - بهره‌گیری هدفمند از موقعیت استراتژیک منطقه به‌واسطه نزدیکی به شهر تجاری توریستی مریوان، اقلیم خود مختار کردستان عراق و مرکز ثقل بودن در سه شهرستان در جهت گسترش فعالیت‌های خدماتی.
	۱۳	۳,۳۶	SO ₁₅ - ایجاد محیط مناسب کسب‌وکار در جهت حضور پررنگ زنان روستاها متناسب با توانمندی‌هایشان.
	۱۴	۳,۲۸	SO ₁₀ - هدایت جمعیت از روستاهای کم و جمعیت و متفرق منطقه به سمت این روستاهای پایدار با افزایش زمینه‌های اشتغال‌زایی از طریق تنوع‌بخشی به اقتصاد این روستاها.
	۱۵	۳,۲۴	SO ₄ - توسعه تجارت کالا از بازارچه مرزی منطقه با حرکت از رویکرد وارداتی صرف به صادرات با تأکید بر محصولات تولیدی روستاییان منطقه.
	۱۶	۳,۱۸	SO ₃ - ارائه خدمات مطلوب‌تر به‌منظور جذب گردشگران از منطقه خودمختار کردستان عراق با توجه به تفاوت نرخ ارز و کم‌بودن هزینه‌ها و همچنین وابستگی‌های نژادی قومی و مذهبی.

- راهبردهای مؤثر و چشم‌انداز مطلوب آینده بر مبنای ظرفیت‌ها، عوامل و فرایندهای اثرگذار (درونی و بیرونی)، در جهت تبدیل روستاهای دارای توان مرکزیت به مرکز ثقل و محرکی در راستای ایجاد توسعه منطقه‌ای متوازن و یکپارچه شهرستان سروآباد کدام‌اند؟

بر این مینا در پاسخ به سؤال اول پژوهش، یافته‌ها نشان دادند که در مجموع در نواحی روستایی مورد مطالعه تعداد ۱۴ قوت در مقابل ۱۸ ضعف (عوامل درونی) و ۷ فرصت در مقابل ۹ تهدید (عوامل بیرونی) در برابر تبدیل روستاهای پایدار منطقه به مرکز ثقلی اثرگذار (مراکز رشد) در راستای حرکت به سمت توسعه پایدار منطقه‌ای، وجود دارند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تعداد عوامل مؤثر شناسایی شده در بخش درونی بیشتر از بخش بیرونی بوده و این امر نشان می‌دهد که سیاست‌ها و راهبردهایی که اتخاذ می‌شوند، بایستی بیشتر متکی بر سازمان درونی و بومی منطقه باشند. در میان عوامل شناسایی شده به ترتیب در بخش نقاط قوت، فراهم بودن زمینه‌های تنوع‌بخشی اقتصادی (کشاورزی، گردشگری، خدمات، تولیدی‌های کوچک و متوسط)، وجود بازارچه مرزی دزلی و رضایت‌بخش بودن زیرساخت‌های کالبدی، دارای بیشترین اثرگذاری و اهمیت شناخته شدند. با نگاهی به این عوامل می‌توان به اهمیت بُعد اقتصادی و کالبدی در ارتقای نقش و توان‌افزایی روستاهای پایدار منطقه در راستای توسعه منطقه پی‌برد. امروزه، تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاها به‌عنوان عامل زنده‌نگهدارنده و پویایی نواحی روستایی شناخته می‌شود؛ چراکه دیگر، اقتصاد مبتنی بر کشاورزی سنتی به دلیل ضعف‌های متعدد، نمی‌تواند عامل حیات‌بخش روستاها باشد و بیشتر روستاها را به سمت انحطاط و ناپایداری می‌کشانند و ضروری است که با توجه به نیازهای روزافزون جامعه شهری و نیز افزایش نیازها و جمعیت روستایی، سعی در بهره‌گیری از تمامی توان‌های روستاها کرد و در این راستای نیز

روستای بیساران، دزلی، پایگلان، قلعه‌جی، سلین، درکی، حسین‌آباد، بلبر و رزاب جزو روستاهای پایدار بودند. ۳۵ روستا، قریب به ۴۸ درصد روستاهای منطقه به‌عنوان بیشترین درصد، در طبقه نیمه‌پایدار توزیع یافته و ۳۸ درصد (۲۸ روستا) نیز در طبقه ناپایدار جای گرفتند. نکته قابل‌ذکر، توزیع تصادفی کانون‌های روستایی پایدار، ناپایدار و نیمه‌پایدار در منطقه است که می‌شود با برنامه‌ریزی صحیح، از نقاط روستایی پایدار در جهت خدمات‌دهی به روستاهای نیمه‌پایدار و از این روستاها نیز به روستاهای ناپایدار به دلیل همجواری و در کنار یکدیگر قرارداشتن، در جهت خدمات‌دهی و توزیع منافع بهره‌گرفت و به‌صورت همزمان، متوازن و درون‌زا به سمت توسعه منطقه‌ای در سطح شهرستان حرکت کرد. در واقع، این چنین می‌توان یک نظم فضایی مطلوب و منطقی با تأکید بر مراکز رشد که همانا روستاهای دارای توان و پایدار منطقه هستند، ایجاد کرد. این در حالی است که اگر توزیع خوشه‌ای یا پراکنده کانون‌های پایدار و ناپایدار در منطقه رخ می‌داد، سرمایه‌گذاری، زمان و هزینه بیشتری در جهت حرکت در قالب توسعه منطقه‌ای که درون‌زا و متوازن باشد نیاز بود و زمینه‌های ایجاد فضای دوقطبی و چندقطبی و آشفتگی بیشتری فضایی در منطقه فراهم می‌شد.

در ادامه به‌منظور برنامه‌ریزی در راستای حصول توسعه پایدار منطقه‌ای که بر پایه نقش‌آفرینی روستاهای دارای توان ایفای نقش مرکزیت (مراکز رشد) باشد، سؤال‌هایی به شرح زیر مطرح شدند:

- سؤال‌های دوم و سوم:

- مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف‌ها، تهدیدها و فرصت‌های (درونی و بیرونی) مؤثر در ارتقای توان روستاهای دارای توان مرکزیت، در جهت نقش‌آفرینی در توسعه پایدار منطقه‌ای شهرستان سروآباد کدام‌اند؟

روستایی با توسعه کشاورزی سنتی به‌عنوان مهم‌ترین ضعف‌های درونی در راستای ارتقای نقش روستاهای دارای توان و مزیت به‌عنوان مراکز رشدی اثرگذار در راستای توسعه منطقه شناخته شدند. با نگاهی به این عوامل درمی‌یابیم که سه‌عامل آن‌ها مرتبط با ضعف‌های اقتصادی در منطقه است. درواقع، ضعف در بازاریابی برای محصولات تولیدی در حالی که امروزه بازاریابی در جهت بقای هر کسب‌وکاری، عامل حیاتی و مورد تأکید مدیران توسعه‌ای است، می‌تواند زمینه‌های تنوع‌بخشی به اقتصاد منطقه را با موانع اساسی روبه‌رو سازد؛ چراکه جذب مشتری و تقاضا و به‌عبارتی تأمین بازار مصرف و فروش برای محصولات به‌خوبی انجام نمی‌گیرد و این امر نیز به معنی کاهش درآمد روستاییان فعال در عرصه‌های تولیدی روستاها، افزایش واسطه‌ها و دلال‌ها، خام‌فروشی و درنهایت، عدم دوام کسب‌وکارهای‌شان خواهد بود؛ شرایطی که در روستاهای پایدار یعنی مراکز رشد شهرستان در عرصه میدانی کاملاً به‌چشم می‌خورد. همچنین، تعطیلی بازارچه مرزی موجب شده تا بسیاری از روستاییان منطقه دوباره به فعالیت‌های کولبری پرداخته و با شرایط سخت امرار معاش کنند. در بحث بازاریابی، افزایش تبلیغات در ارتباط با محصولات تولیدی از رسانه‌های محلی و استانی، برگزاری جشنواره‌های بومی مرتبط با محصولات تولیدی در قطب‌های روستایی تولید این محصولات، تشکیل تعاونی‌های تجاری در بین روستاییان و ارسال بدون واسطه محصولات به شهرهای مجاور که مهم‌ترین آن‌ها مریوان و سنندج هستند، توجه به بسته‌بندی محصولات تولیدی، ایجاد بازارهای هفتگی و بازارهای مناسبی در روستاهای مرکزی از محصولاتی تولیدی منطقه در روزهایی که گردشگران به این منطقه وارد می‌شوند، از مهم‌ترین راهکارهای بهبود بازاریابی محصولات تولیدی روستاییان منطقه هستند. این امور، بایستی توسط کارگروه توسعه منطقه که پیشنهاد تشکیل آن در ادامه ذکر شده‌است و با

بایستی بخش کشاورزی و غیرکشاورزی در کنار یکدیگر در زمینه افزایش زمینه‌های اشتغال و درآمدزایی برای روستاییان به‌کار گرفته شوند تا این چنین، اقتصادی متنوع که آنتی‌تز آسیب‌پذیری نظام‌های روستایی بوده و می‌تواند جامعه تاب‌آور روستایی را شکل دهد، حاصل آید. در روستاهای پایدار منطقه مورد مطالعه نیز (مراکز رشد)، علاوه بر زمینه‌های متعددی که در بخش کشاورزی در جهت فعالیت وجود دارد؛ همانند: باغداری، زراعت، دامداری، پرورش زنبور عسل و شیلات، در بخش‌های دیگر نیز همانند گردشگری به‌دلیل طبیعت بکر و منحصربه‌فرد و تمدن کهن و بومی منطقه و نیز تولیدی‌های خرد و صنایع تبدیلی که بتوانند تکمیل‌کننده و مانع از فروش خام و کم‌بهره محصولات تولیدی بخش کشاورزی شوند، پتانسیل‌های فراوانی در منطقه وجود دارد و بایستی در زمینه متنوع‌سازی اقتصادی به‌کار گرفته شوند. از سویی دیگر، مرزی بودن نیز به‌عنوان یک نقطه قوت و عامل محرک می‌تواند با تأسیس و حمایت از بازارچه مرزی در منطقه که در حال حاضر در روستای دزلی شاهد تأسیس این بازارچه هستیم، موجب توسعه و پایداری اقتصادی در منطقه شود؛ هرچند هم‌اکنون این بازارچه به حالت تعلیق درآمده‌است. همچنین، مطلوب بودن زیرساخت‌های کالبدی در این روستاها (روستاهای پایدار یا مراکز رشد) سبب می‌شود تا توان راه‌اندازی و اثرگذاری زمینه‌های تنوع‌بخشی اقتصادی در منطقه با توان و تأثیرگذاری مطلوب، ایجاد و مورد حمایت واقع شود؛ چراکه زیرساخت‌ها، محرک و بسترساز راه‌اندازی و تداوم هر نوع فعالیت توسعه‌ای در نواحی روستایی محروم و مرزی محسوب می‌شوند.

در بین عوامل درونی، در بخش ضعف‌ها به‌ترتیب، عوامل فقدان نظام سالم بازاریابی و بازاررسانی محصولات تولیدی و نبود خدمات پشتیبان تولید، ضعف عملکرد متولیان توسعه روستایی، تعطیلی‌ها مکرر و تعلیق بازارچه مرزی و هم‌ردیف دانستن توسعه

کرد که هنوز نیز دیدگاه مدیریت مرزها در این منطقه بیشتر به سمت تهدیدمحور بودن به پیش می‌رود که قدر مسلم فضای امنیتی صرف، نمی‌تواند توسعه‌ای پایدار و مطلوب را رقم بزند.

در ادامه به منظور پاسخگویی به سؤال سوم، در چارچوب مدل برنامه‌ریزی استراتژیک منطقه در ابتدا با جمع‌بندی امتیازهای عوامل درونی و بیرونی، راهبردهایی که اتخاذ شد، استراتژی‌های تهاجمی بود که بر افزایش توان‌های و قابلیت‌های درونی با بهره‌گیری از فرصت‌های بیرونی تأکید دارد. در این استراتژی‌ها تأکید اصلی بر افزایش سرمایه‌گذاری‌ها، تولید بیشتر و رسوخ در بازار است. در واقع بر این مبنا بایستی در مسیر رشد و ساخت یک سیستم منسجم و کارایی توسعه منطقه‌ای در سطح روستاهای شهرستان با بهره‌گیری از توانمندی‌ها و قابلیت‌های درونی روستاهای پایدار آن و فرصت‌های بیرونی محرک و تقویت‌کننده این توانمندی‌ها حرکت کرد. در میان ۱۶ راهبرد یا استراتژی تدوین شده به ترتیب، راهبردهای استراتژی تدوین طرح جامع تنوع‌بخشی به اقتصاد این روستاها (مراکز رشد) با شناسایی و گنجاندن همه ظرفیت‌ها و توان‌های آن‌ها، تبدیل این روستاها به خوشه‌ها و زنجیره‌های کوچک و متوسط کشاورزی صنعتی و صنایع خرد روستایی همراه با ایجاد و توسعه بازارهای محلی فروش، گسترش زمینه‌های توسعه اقسام مختلف گردشگری (گردشگری جنگ، گردشگری فرهنگی، گردشگری تجاری، طبیعت‌گردی و گردشگری سلامت (بهره‌گیری از گیاهان دارویی و طبیعت‌درمانی)، توانمندسازی روستاییان با تأکید بر روحیه خودباوری به منظور افزایش تولید، خوداشتغالی و کارآفرینی و اتخاذ دیدگاه مدیریت مرزی فرصت‌محورانه برپایه بهره‌گیری از پتانسیل‌های این روستاها با توجه به ارتباط متقابل تأمین امنیت با تأمین سطح مطلوب معیشت و توسعه روستاهای پایدار منطقه، به عنوان اولویت‌دارترین و مهم‌ترین استراتژی‌ها انتخاب شدند.

همکاری دهیاری‌های روستاهای منطقه، ساماندهی و برنامه‌ریزی شوند.

از میان فرصت‌های برون‌سازمانی نیز به ترتیب، تغییر جهت دیدگاه برنامه‌ریزی و تخصیص خدمات و امکانات در کشور به سمت حمایت از روستاهای مستعد، نیاز به تأمین امنیت پایدار در این منطقه مرزی با توسعه روستایی و تمایل بخش خصوصی و مردم کشور در جهت سرمایه‌گذاری و بازدید از روستاهای دارای پتانسیل گردشگری به عنوان یکی از پتانسیل‌های مهم این روستاها به عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین فرصت‌ها در راستای بهبود وضعیت و ارتقای توان روستاهای پایدار و دارای مزیت در راستای ایجاد توسعه‌ای متوازن و یکپارچه در منطقه شناخته شده‌اند. همچنین، از میان تهدیدهای بیرونی مؤثر بر توان‌افزایی روستاهای پایدار منطقه به ترتیب، عوامل افزایش هزینه‌های زندگی، دید امنیتی و تهدیدمحورانه (انسدادی) بر مدیریت توسعه روستاهای مرزی کشور و کمبود بودجه تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاها، دارای بیشترین تأثیر شناخته شدند. این سه عامل متوجه عرصه کلی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور هستند. در واقع تأثیرات منفی شرایط آشفته اقتصاد امروزی کشور، بیش از همه متوجه قشر محروم روستایی خواهد بود که در صورت عدم اتخاذ راهکارهای مقابله‌ای، افزایش آسیب‌پذیری، کاهش تاب‌آوری و سطح نازل کیفیت زندگی را برای روستاییان و ایجاد محیط ناپایدار روستایی را برای روستاها به همراه خواهد آورد. از سویی دیگر نیز هرچند که در سیاستگذاری عمومی و کلی عرصه امنیت کشور، چرخش دیدگاه‌ها از امنیت صرف و انسداد مرزها به فرصت‌محور بودن مرزها تغییر یافته است؛ اما آنچه که در شرایط میدانی و در عرصه منطقه دیده می‌شود؛ مانند تعطیلی بازارچه مرزی و عدم گسترش آن، عدم سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و مؤثر تولیدی و عدم حمایت مطلوب از روستاهای دارای توان منطقه، نمی‌تواند بازگوکننده این دیدگاه باشد و بایستی عنوان

تحصیل کرده منطقه و روحیه کار و تلاش زیادی که در میان این روستاییان پرتلاش وجود دارد، در تلفیق با توان‌هایی همچون گردشگری و کشاورزی که توسعه آن‌ها فراهم‌آورنده مشاغل خرد است، موجب افزایش توان روستاهای پایدار در راستای نقش‌افزایی در تحقق توسعه پایدار منطقه باشند. در واقع، توسعه کسب و کارهای خرد، تنها راه‌حل درجهت مبارزه با فقر و بیکاری ناشی از اقتصاد سنتی شکست‌خورده منطقه است. این دست از کسب‌وکارها به‌عنوان برابندی از توسعه مطلوب دو توان دیگر منطقه یعنی گردشگری و کشاورزی خواهند بود. آوردن وضعیت جمعیتی در روستاهای پایدار، بیشتر به‌عنوان یک فرصت، درجهت تحقق چشم‌انداز و یک محرک مطلوب برای توسعه سایر توان‌های منطقه مدنظر بوده‌است؛ چراکه با توجه به تخصیص خدمات، امکانات و سرمایه‌ها در کشور بر پایه جمعیت، در نواحی روستایی منطقه تخلیه و کاهش جمعیت می‌تواند به معنی کاهش خدمات و امکانات و سرمایه‌های تعلق‌گرفته باشد که در نتیجه آن ضعف‌هایی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی ظهور می‌یابند که موجب به‌رکودکشیدن و عدم توسعه توان‌های منطقه می‌شوند. در ادامه ترسیم چشم‌انداز آینده توسعه پایدار منطقه‌ای در شهرستان سروآباد بر مبنای نقش‌آفرینی روستاهای دارای توان (مراکز رشد) این شهرستان بر این مبنا ترسیم شد که این روستاها بتوانند به‌عنوان یکی از مراکز برتر در عرصه گردشگری روستایی کشور، مرکزی ممتاز در عرصه کشاورزی، مرکزی ممتاز در عرصه کسب‌وکارهای خرد و مرکزی باثبات در عرصه جمعیت روستایی در استان عمل کنند. لازم به ذکر است که شرایط توپوگرافی منطقه سروآباد و روستاهای مشخص شده به‌عنوان مراکز رشد که تلفیق کوهستان و دشت، منابع آبی فراوان، سدها و چشمه‌های آب معدنی، فرهنگ کهن، معماری و طبیعت بکر را موجب شده‌است؛ زمینه‌های مطلوب بودن

در ادامه و پس از مشخص شدن راهبردها، نوبت به ترسیم چشم‌انداز آینده توسعه پایدار منطقه‌ای با نقش‌آفرینی روستاهای پایدار و دارای توان در منطقه رسید. بر این اساس در ابتدا افقی ۱۵ سال در نظر گرفته‌شده و بر مبنای آن چشم‌انداز آینده دربرگیرنده توان و ظرفیت‌ها، اصول و مبانی و نتایج موردنظر از ترسیم این چشم‌انداز، تدوین شد. در ابتدا توان‌های اولویت‌دار روستاهای پایدار منطقه در راستای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بر روی آن‌ها به‌منظور افزایش توان نقش‌افزایی این روستاها در چهار محور گردشگری، کشاورزی، کسب‌وکارهای خرد و عرصه جمعیتی مورد شناسایی قرار گرفتند. در عرصه گردشگری با توجه به اینکه این روستاها دارای توان لازم درجهت گسترش انواع مختلف گردشگری روستایی دربرگیرنده گردشگری غذایی، طبیعت‌گردی، گردشگری کشاورزی، گردشگری فرهنگی و حتی گردشگری سلامت به‌واسطه طبیعت بکر و وجود گیاهان دارویی مختلف هستند، نیاز است تا توجه ویژه‌ای به توسعه این قسم از فعالیت‌های توسعه‌ای در منطقه شود؛ چراکه به‌دلیل ماهیت مشاغل گردشگری که تخصص و سرمایه‌ای زیاد را طلب نمی‌کند و می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح تأثیرات منفی آن را به حداقل رساند، توسعه فعالیت‌های گردشگری در روستاهای پایدار منطقه بسیار ثمربخش خواهد بود. دیگر توان روستاهای پایدار منطقه، فعالیت‌های کشاورزی است که می‌توان از زمینه‌های مختلف آن مانند زراعت، باغداری، پرورش زنبور عسل و پرورش ماهی در روستاهای پایدار بهره‌گرفت و نمونه‌هایی از آن‌ها هم‌اکنون در این روستاها مشاهده می‌شود. توسعه عرصه کسب‌وکارهای خرد تولیدی به‌عنوان توان دیگر روستاهای پایدار منطقه که نیاز به توسعه روحیه تولیدگری و خوداشتغالی در منطقه خواهد داشت و زمینه‌ساز تحقق چشم‌انداز مطلوب توسعه روستایی در منطقه می‌شود، می‌تواند با توجه به نیروی کار فعال و

منابع

ارغان، عباس (۱۳۹۶). تحلیل فضایی پایداری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان مهدی‌شهر)، فصلنامه مدیریت شهری، ۱۶(۴۷). صفحات ۴۸-۲۳.

http://ijurm.imo.org.ir/browse.php?a_id=۱۷۶۰&sid=۱&slc_lang=fa

ایزدی‌خرامه، حسن؛ عبدالرضا افتخاری (۱۳۸۰). تحلیلی بر رویکردهای مکان‌یابی و توزیع خدمات در مناطق روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۶(۳). صفحات ۶۶-۳۰.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=۱۹۲۲۲>

برقی، حمید؛ یوسف قنبری؛ یوسف سیفالهی (۱۳۹۰). بررسی رضایتمندی ساکنان مناطق روستایی در تبدیل نقاط روستایی به شهر، فصلنامه جغرافیا، ۹(۳۱). صفحات ۲۲۸-۲۱۴.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۱۴۹۴۳>

پاپلی‌یزدی، محمدحسین؛ محمد ابراهیمی (۱۳۸۷). نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت.

<http://samta.samt.ac.ir/content/۹۱۸۹>

پریزادی، طاهر؛ حجت میرزازاده (۱۳۹۷). توسعه منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۸(۵۰). صفحات ۱۹۸-۱۷۹.

<https://jgs.khu.ac.ir/article-۲۷۴۳-۱-fa.html>

پورمحمدی، محمدرضا؛ نادر زالی (۱۳۸۹). تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای و آینده‌نگاری توسعه (نمونه موردی: استان آذربایجان غربی)، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۱۵(۳۲). صفحات ۶۴-۲۹.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۱۴۷۰۴۷>

جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی. دیدگاه‌ها و روش‌ها. انتشارات سمت، چاپ سوم.

<http://samta.samt.ac.ir/content/۹۷۶۲>

جایگاه این منطقه در عرصه کشاورزی به‌ویژه باغداری و شیلات و نیز گردشگری روستایی را فراهم آورده است. در نهایت به‌منظور تکمیل فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک، در جهت افزایش توان روستاهای پایدار در راستای ارتقای توان‌شان به‌منظور حصول توسعه پایدار منطقه‌ای متوازن و یکپارچه در چشم‌انداز آینده، راهکارهای اجرایی و عملیاتی بر مبنای استراتژی‌ها یا راهبردهای ۱۶ گانه تدوین شده، موردنیاز است که در زیر به تفکیک هر راهبرد و در بازه‌های زمانی کوتاه (زیر ۵ سال) میان‌مدت (۵ تا ۱۰ سال) و بلندمدت (۱۰ تا ۱۵ سال) ارائه شده‌اند.

در مجموع به‌منظور اینکه یکی از ضعف‌های همیشگی برنامه‌های توسعه روستایی یعنی فقدان متولی مشخص و موازی‌کاری نهادهای دولتی برطرف شود و برنامه‌ریزی انجام‌گرفته با سرعت و اثرگذاری بهتری اجرایی شود، نیاز است تا نهادی واحد، مرکب از تمامی نهادهای امنیتی و توسعه‌ای مؤثر بر توسعه روستایی منطقه با عنوان کارگروه توسعه منطقه زیرنظر فرمانداری شهرستان تشکیل شود و به‌صورت مستمر، جلساتی به‌منظور رصد وضعیت اجرایی و اثرگذاری برنامه تدوین شده برگزار کند. همچنین، بایستی یادآور شد که پایداری نقاط روستایی و تحقق توسعه پایدار منطقه‌ای به‌واسطه نقش آفرینی آن‌ها یک وضعیت ایستا نیست؛ بلکه یک فرایند پویا بوده و می‌تواند در تغییر و تحول باشد؛ بنابراین، نیاز به ارزیابی مداوم شرایط است. در این رابطه پیشنهاد می‌شود که در فواصل زمانی دو تا چهار سال توسط کارگروه توسعه منطقه‌ای شهرستان، سنجش و ارزیابی در منطقه تکرار شود تا چگونگی تغییر مقادیر شاخص‌ها و واکنش‌های مردم محلی به دست آید. در صورتی که تغییرات به سمت ناپایداری باشند، علل وقوع آن مشخص شود و با اتخاذ تدابیر مناسب و به‌موقع، از گسترش روند ناپایداری در منطقه و به‌ویژه در روستاهای دارای توان و مرکز ثقل، جلوگیری به‌عمل آید.

میزگرد گروه برنامه‌ریزی منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی. ۳(۱۷)، صفحات ۱۱-۱.

<http://ensani.ir/fa/article/۱۳۶۹۰۶/%D%8A>

یاسوری، مجید؛ مریم سجودی (۱۳۹۵). استراتژی توسعه منطقه‌ای راهکاری در جهت تمرکززدایی (مطالعه موردی: شهرستان رشت)، فصلنامه آمایش محیط. ۱۱(۴۲). صفحات ۸۳-۴۱.

http://ebtp.malayeriau.ac.ir/article_۵۴۵۵۴۱.html

- Albrechts, L.(2004). Strategic (Spatial) Planning Reexamined, SAGE Journals. 31(5), PP. 743-758.
https://econpapers.repec.org/article/pioenvirb/v_3a3_1_3ay_3a2004_3ai_3a5_3ap_3a743-758.htm
- Apostolache, M. A.(2014). Regional development in Romania-from regulations to practice. Procedia Economics and Finance.8(3),PP.35- 41.
https://www.researchgate.net/publication/26156493_2_Regional_Development_in_Romania_-_From_Regulations_to_Practice
- Christofakis, M., & Papadaskalopoulos, A.(2011). The growth poles strategy in regional planning: the recent experience of Greece.Theoretical and Empirical Researches in Urban Management. 6(2), PP. 6-20.
<https://ideas.repec.org/a/rom/terumm/v6y2011i2p5-20.html>
- Darmansyah, A., Rochana, S. H., Sutardi, A., & Zuraida, U.(2013). The 5th Indonesia International Conference on Innovation, Entrepreneurship, and Small Business (IICIES 2013) The New Growth Centres and Strategy for Building and Accelerating Agribusiness Development in Cirebon Regency, Indonesia.
https://www.researchgate.net/publication/27372867_7_The_New_Growth_Centres_and_Strategy_for_Building_and_Accelerating_Agribusiness_Development_in_Cirebon_Regency_Indonesia
- Dross, M., Mattar ,N.Al., & Thierstei, A (2012). A conceptual foundation of spatial strategy. A methodology for spatial transformation, AESOP 26th Annual Congress, 11-15 July 2012, METU Ankara, At:
<http://mediatum.ub.tum.de/doc/1153288/file.pdf>

حقیقو، محمدرضا؛ سمیه زندیه؛ وحیده ابراهیم‌نیا (۱۳۹۲). چارچوب بکارگیری فن SWOT در برنامه‌ریزی فضایی مبتنی بر تفکر راهبردی. فصلنامه برنامه‌ریزی شهری. ۱(۳). صفحات ۹۸-۷۷.

https://shahr.journals.umz.ac.ir/article_۷۰۶_۷۲ae۹۳۸۹e۷a۱۵۰۱e۹۷۴۷a۳۷۲cf2۸ede.pdf

زیاری، کرامت‌الله؛ کبری سرخ‌کمال؛ محمود زنجیرچی؛ محمد کرمی (۱۳۹۰). نگرش تحلیلی بر نظریه قطب رشد در توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی)، فصلنامه آمایش محیط. ۵ (۱۷). صفحات ۱۸-۱.

www.magiran.com/paper/۱۰۵۱۲۱۹

سعیدی، عباس؛ عبدالرضا رحمانی‌فضلی؛ فرهاد عزیزپور؛ مصطفی بیات (۱۳۹۶). تحلیل ساختار فضایی ناحیه خمین با تأکید بر برنامه‌ریزی فضایی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۶(۲). صفحات ۵۸-۴۱.

<https://serd.khu.ac.ir/article-۲۷۷۳-۱-fa.pdf>

علوی، سعیده؛ حسین نظم‌فر؛ علی چهاربرج (۱۳۹۷). تحلیل فضایی نابرابری‌های توسعه دهستان‌های منطقه مغان (مورد مطالعه: شهرستان‌های پارس‌آباد، گرمی و بیله‌سوار)، نشریه راهبردهای توسعه روستایی. ۴(۱۶). صفحات ۴۹۲-۴۷۵.

http://rdsj.torbath.ac.ir/article_۵۸۴۵۳.html

عنبری، موسی؛ احمد ملاکی (۱۳۸۹). بررسی آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی (مطالعه موردی: قطب رشد صنعتی عسلویه)، فصلنامه توسعه روستایی. ۳(۲). صفحات ۱۰۶-۸۸.

https://jrd.ut.ac.ir/article_۲۴۴۶۱.html

موسوی، روح‌الله؛ پروین موسوی؛ فریبا برومندان (۱۳۹۳). آینده‌پژوهی دانشی کاربردی در توسعه روستایی، سومین همایش ملی آینده‌پژوهی. تهران.

<https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=۱۷۲۲۰>

- congress of the european regional science association (ERSA) Jyväskylä, Finland. PP.27-30.
<https://www.jyu.fi/ersa2003/cdrom/papers/503.pdf>
- Soja ,E. W (2008). The city and spatial justice ,Paper prepared for presentation at the conference Spatial Justice, Nanterre, Paris, March 12-14, 2008.At: <https://www.jssj.org/wp-content/uploads/2012/12/JSSJ1-1en4.pdf>.
 - Sukko, K (2008). Spatial Inequality and Economic Development: Theories, facts, and policies. Working Paper (No.6. Commission on Growth and Development, Washington, DC: The International Bank for Reconstruction and Development.
<https://documents.worldbank.org/en/publication/documents-reports/documentdetail/803661468330972127/spatial-inequality-and-economic-development-theories-facts-and-policies>
 - Svatošová, Y. L (2012). The development of regional disparities in czech republic over the 2005–2010, *acta universitatis agriculturae et silviculturae mendelianae brunensis*, 36(7). PP.344-337.
https://acta.mendelu.cz/media/pdf/actaun_2012060070337.pdf
 - Svetkls, K. Ž (2014). Strategic planning for regional development: an introductory textbook. Mykolas Romeris university.
https://repository.mruni.eu/bitstream/handle/007/11468/21179/Svetikas_projektas_AB_WEB.pdf?sequence=1&isAllowed=y
 - Thoidou , E (2013). Strategic spatial planning in the era of crisis: current trends and evidence from the metropolitan area of thessaloniki, *SPATIUM International Review*.30(8), PP. 12-17.
<http://www.doiserbia.nb.rs/Article.aspx?ID=1450-569X1330012T>
 - Uthesa ,S., Li, F.,& Kelly, E.(2017).Does EU rural expenditure correspond to regional development needs? *Land Use Policy* .60(33), PP. 267-280
<https://ec.europa.eu/eurostat/documents/3217494/9210140/KS-HA-18-001-EN-N.pdf>
 - Uwayezu, E., & T. de Vries, W.(2018). Indicators for Measuring Spatial Justice and Land Tenure Security for Poor and Low Income Urban Dwellers. *Land, MDPI, Open Access Journal*. 7(3), pp 1-34.
<https://www.mdpi.com/2073-445X/7/3/84>
 - Von Braun, J., & Virchow, D.(2001). Villages for the Future: Crops, Jobs and Livelihood, Springer Publishing.
<https://www.springer.com/gp/book/9783540424673>
 - Gajdová, K.(2016). Regional Disparity in Selected Regions of the Czech Republic – With New Definition.International journal of economics and statistics. 17(3).pp:31-42.
<https://www.naun.org/cms.action?id=5672>
 - Jahani, mohammad mahdi and ahmadian mohammad ali (2015). Analyzing small town centralization effects on spatial organization of rural settlement (case study: zoshk, noqondar, virani village). *International Journal of Engineering Science Invention*. 14(2), PP:34-43.
<http://www.ijesi.org/v4i2.html>
 - Jovovic, R., Draskovic, M., Delibasic, M., & Jovovic, M.(2017). The concept of sustainable regional development – institutional aspects, policies and prospects. *Journal of International Studies*, 10(2), PP. 255-266.
https://www.researchgate.net/publication/317746409_The_concept_of_sustainable_regional_development_institutional_aspects_policies_and_prospects
 - Kennedy, D (2010). Regional Development Strategy, Minister for Regional Development,
<https://www.planningni.gov.uk/index/policy/rds%20%25.pdf>
 - Nagimov, A.R., Akhmetshin, E. M., Slanov, V. P., Nikolaevna Shpakova, R., Prokopievich Solomonov, M., & yaschenko, D.(2018).Foresight Technologies in the Formation of a Sustainable Regional Development Strategy. *European Research Studies Journal*. 14(2), PP. 752-741.
https://kpfu.ru/staff_files/F688724170/Foresight_Technologies_in_the_Formation_of_a_Sustainable_Regional_Development_.pdf
 - Olesen, K (2010). Danish 'strategic spatial planning' in transition. Paper presented at 24th AESOP Annual Conference 2010. Helsinki, Finland.
<https://vbn.aau.dk/en/publications/danish-strategic-spatial-planning-in-transition>
 - Oryzanti, P., Rustiadi, E., & Taufiqu R (2018). Policy Priorities for the Economic Development in Agropolitan Area of Karacak Based on Mangosteen Agroindustry, *American Journal of Applied Sciences*.15(11), PP.489-496.
<https://thescipub.com/abstract/10.3844/ajassp.2018.489.496>
 - Raagmaa, Garri (2003).Centre–periphery model explaining the regional development of the informational and transitional society, 43rd